

مرخصی او از این نقطه نظر خوب نیست و بالاخره هم میدانند که او رفته است و این کسب اجازه هم یک ادبی بوده است که او نسبت بمجلس کرده است حالا اگر مجلس بخواهد این ادب او را رد بکند مسئله نیست .

**مدرس** - در این موضوع بنده اطلاعی ندارم ولی باید عذر را فهمید اگر آن شخص که مرخصی خواسته است در واقع یک عذری داشته است عیبی ندارد و این پیش آمد ها را که اسباب شد و مجلس منعقد نشد نمیشود اسباب رد کردن مرخصی قرارداد و گفت چرا حوصله نکردی که مرخصی بگیری چون بعضی اعذار هست که نمیشود بتأخیر انداخت لهذا بنده این جهت را خوب نمیدانم که در مجلس مذاکره شود که چرا حوصله نکرده تا مجلس اذن بدهد شاید عذری بوده که اگر میخواست صبر کند تا مجلس اذن بدهد فوت میشد و غرض حاصل نمیشد معذرت بنده هیچ حرفی ندارم اگر مجلس تصویب نمیکند خود میدانند .

**نایب رئیس** - مذاکرات کفایت - رای می گیریم بر مرخصی شاهزاده نجفقلی میرزا آقایانیکه مرخصی بیست روزه شاهزاده نجفقلی میرزا را تصویب میکند قیام نمایند

عده قلیلی قیام نمودند

**نایب رئیس** - رد شد - رایوت کمیسیون عراض راجع با آقای حاج میرزا فضلعلی قرائت میشود بمضمون ذیل قرائت شد

آقای حاج میرزا فضلعلی آقا نماینده قزوین چون اهل بیتش مشهد مقدس مشرف شده اند و محرمیکه همراهشان بوده مرخص شده لابد هستند خودشان بروند ایشان را معادرت بدهند یکماه مرخصی خواسته بودند چون عذر موجود داشتند کمیسیون یکماه مرخصی ایشانرا تصویب نمود

**نایب رئیس** - رای میگیریم بر مرخصی یکماه آقای حاج میرزا فضلعلی آقا آقایانیکه مرخصی یکماه ایشانرا تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - تصویب شد بگفته متجاوز است که شعبه ششم باید منعقد شود و رسیدگی با اعتبار نامه آقای صدرالاسلام بنماید و هنوز منعقد نشده است از آقایان شعبه ششم خواهش میشود که شعبه را زودتر منعقد کنند و رایورت راجع با اعتبارنامه ایشان را زودتر نوشته و بمجلس بیاورند

**سلیمان میرزا** - تقریباً بیش از ده روز است که بنده خبر دارم اعتبارنامه آقای زنجانی در شعبه رای داده شده است و نمیدانم فاصله شعبه تا مجلس چقدر است که هنوز رایورتش بمجلس نرسیده است حالا اگر رسیده است خواهش میکنم جزء دستور باشد

**نایب رئیس** - بلی در این خصوص بشعبه اظهار شده بود از طرف آقای حاج میرزا اسدالله خان یک شرحی وسیده است که خوانده میشود .

( شرح مزبور قرائت شد مشعر بر اینکه چون آقای ناصرالاسلام مخبر شعبه حاضر نبوده اند رایورت را امضاء نمایند باین جهت تقدیم رایورت بتأخیر افتاده و عن قریب تقدیم خواهد شد )

**نایب رئیس** - مقصود این است که چون مخبر حاضر نبوده است رایورت امضاء نشده است و باین

راسته مانده است و از برای جلسه آتی حاضر شده بمجلس می آید - بعضی آقایان پیشنهاد کرده اند که چون باید بعضی مذاکرات راجع بکابینه و رفع بحران بشود جلسه ختم میشود خوب است جلسه را ختم کنیم و قانون مستقلات را جزء دستور جلسه آتی قرار دهیم .

( گفتند صحیح است )

**موصو الملک** - بنده عقیده ام این است که پیشنهاد آقای حاج عزالممالک قرائت و رای گرفته شود بعد جلسه ختم شود .

**نایب رئیس** - چون خودشان تقاضا میکنند بجلسه آتی بماند موکول بجلسه دیگر میشود پس اگر مخالفی نیست جلسه را ختم کنیم جلسه آتی شب ۴ شنبه دو ساعت و نیم از شب گذشته دستور هم قانون مستقلات و بقیه قانون مجازات پستی و طرح قانون آقای حاج عزالممالک خواهد بود

**سردار معظم** - وقتی که تعیین میفرمائید ۲ ساعت و نیم از شب گذشته طبعاً اینطور میشود که زودتر از موقع امشب جلسه منعقد نمیشود و بندهم که جلسه تشکیل میشود مجبور میشوم که زودتر مجلس را ختم کنیم بعقیده بنده خوب است موقع رازودتر تعیین کنیم بلکه آقایان زودتر تشریف بیاورند یعنی دو ساعت از شب گذشته را معین بفرمائید که اقلاً سه ساعت از شب گذشته مجلس منعقد شود .

**سلیمان میرزا** - ایام ماه رمضان تا شخص افطار بکند و بیاید زودتر از این نمیشود اگر باید دو ساعت از شب گذشته مجلس منعقد شود خوب است افطار را اینجا تهیه کنند والا اشخاصی که منزلشان دور است تا افطار بکنند و غذائی بخورند همین اندازهها طول میکشد و قبل از دو ساعت و نیم ممکن نیست فرضاً اینطور که آقای سردار معظم میفرمایند آقای رئیس وقت را زودتر معین کنند یک تکلیف مالایطاقی است و پیشرفت نخواهد کرد چیزی که هست ما یکمقداری جریمه خواهیم داد زیرا تکلیف مالایطاق خداهم بنده اش نمیکند و شخصی که گرسنه است و هفتده ساعت هم غذا نخورده باو بگویند غذا نخورده بیا خوب است همان دو ساعت و نیم که فرمودند معین بفرمایند و نیم ساعت هم مهلت باشد که سه ساعت از شب گذشته مجلس منعقد شود و بتوانم یک ساعت و نیم یادو ساعت کار بکنیم و الا اگر غیر از ساعت دو و نیم باشد فقط یک جریمه بر صندوق افزوده خواهد شد .

**سردار معظم** - بنده بشرط یک ساعت تأخیر عرض کردم دو ساعت از شب گذشته که ساعت سه حاجر باشند و مجلس منعقد شود حالا اگر سردو ساعت و نیم حاضر میشوند جرمی نیست .

**نایب رئیس** - پس همان دو ساعت و نیم خواهد بود .

**جلسه ۵۶**  
**صورت مشروح شب چهارشنبه پانزدهم شهر رمضان ۱۳۳۳**  
مجلس سه ساعت و ربع از شب گذشته در در تحت ریاست آقای مؤتن الملک تشکیل و صورت مجلس شب یکشنبه دوازدهم قرائت شد .

غائبین بدون اجازه - آقایان حاج شیخ اسمعیل سردار معتمد - حاج سید اسدالله - نجفقلی میرزا آقا سید فاضل - امیرالسلطنه - حاج میرزا اسدالله خان غائبین با اجازه - آقایان حاج امام جمعه نظام السلطان - آقا شیخ یحیی - ملک الشعراء مریم ارباب کیخسرو .

**رئیس** - در صورت مجلس ایرادی هست یا نیست ؟

**مدرس** - هفته گذشته آقای حاج امام جمعه تشریف آوردند که مجلس منعقد نمیشد و فرمودند که مهیای مشرف شدن به مشهد هستند و روز دو شنبه حرکت کردند دیگر نمیدانم چطور نوشته اند .

**رئیس** - این مطلب راجع به صورت مجلس نیست .

**مدرس** - چرا غائب بدون اجازه فرمودند .

**رئیس** - اجازه را بنده باید بدهم .

**مدرس** - نمیدانم شاید اجازه داده شده باشد

**رئیس** - بغیر از این دیگر مخالفی نیست ؟ (مخالفتی نشد) صورت مجلس تصویب شد .

دستور امشب اولاً قانون مستقلات ثانیاً بقیه قانون پستی ثالثاً طرح آقای حاج عزالممالک رابعاً اعتبار نامه آقای قوام الدوله ولی چون از قانون پستی شش ماه بیشتر نمانده است اگر مخالفی نباشد آنرا مقدم بداریم تا تمام شود بعد شروع کنیم بقانون مستقلات ماده ۵۲ قانون پستی قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۵۲ - هرگاه کسی برخلاف مسطورات ماده ۴۷ و ۴۸ و رفتار نماید از یکروز الی پنجاه روز حبس خواهد شد در صورت تکرار تقصیر مجازات ممکن است بیکصدروز بالغ شود

**حاجی شیخ محمد حسن گروسی** - بنده تردید و اشکالی در لزوم اصل مجازات ندارم لیکن اشکال در جهاتی است که در غالب این مواد من جمله همین ماده بنظر می آید و لابد بعرض آقایان برسانم یکی آنکه سنخ مجازات را اختصاص بعبس دادن بالاینکه ضرب تازیه هم یک نوعی از مجازات است خصوص در مواردیکه تقصیر خیلی عظیم و محتاج بامتداد حبس تا یکسال باشد اگرچه ممکن است گفت که آن مقصر بواسطه شدت تقصیرش مستحق اینگونه مجازات باشد ولیکن چون این مقصر که یکسال حبس میشود و اسباب زحمت کسانی است که زندگانی و معیشت آنها مربوط بیودن او است از قبیل عیال و اطفال او این مجازات مستلزم صدمه بسایرین است با آنکه ملاحظه میکنیم در خصوص ضرب بتازیه اینطلب ساری و جاری نیست خوب بود لافل در جاهانیکه محتاج بامتداد حبس باشد تجدید میکردند و تبدیل بضرب تازیه میکردند نه اینکه سنخ مجازات را فقط منحصر بعبس نمایند این یک اشکال اشکال دیگر اینکه در اینجا نوشته شده (هرگاه کسی برخلاف مسطورات ماده ۴۷ و ۴۸ رفتار نماید از یک روز الی پنجاه روز حبس خواهد شد) بنده عرض میکنم کسانی که بر خلاف مسطورات ماده ۴۷ و ۴۸ رفتار بنمایند اگر تقصیرات آنها برسبیل تساوی است یعنی یک درجه از تقصیرات که از یک روز الی پنجاه روز حبس و این اندازه فاصله مابین مجازات آنها همچنانکه در شور اول عرض کردم هیچ مناسبتی ندارد باین جهت عرض میکنم

چنانچه سزاوار است این مجازات بشود و یکطرف آنرا يك روز قرار میدهند منتها درجه اش باید بقوه خودش برسد و از يك روز الی پنجاه روز معین کردن مثل این است که مجازات رابسته به مجازات دهنده و اگذار کرده باشند که هر جور میل او باشد عمل کند و این طریق مجازات را بنده چندین مناسب نمویسیم و نمیتوانیم بگوئیم مجازات قانونی است و اگر گفته شود که ماده ۴۷ و ۵ اختلاف دارند و مغالفت نسبت به بعضی از آنها اقوی و نسبت به بعضی اضعف است اگر این طریق است خوب بود اشاره میکردند و آن تقصیری که اقوی است مجازات اقوی برای آن میکردند و آنچه اضعف است مجازات اضعف را معین مینمودند نه آنکه موقوف با اختیار مجازات دهند نمایند که گاهی بر خلاف آنچه حق است رفتار کنند و در موردیکه تقصیر اضعف است مجازات اقوی را اعمال یا در مورد تقصیر اقوی مجازات اضعف را اعمال نمایند و یک جهت دیگر از اشکال بنده این است که نوشته در صورت تکرار تقصیر مجازات ممکن است بیکصد روز بالغ شوند بنده این تجدید از چه نقطه نظر است در اینجا مطلب حقوقی پیدا میکنند گاهی میشود تقصیر که سر زده متمتع بمجازات میشود و در مرتبه دوم باز آن تقصیر از او سر میزند و مجازاتش را مضاعف میکنند یا این است که آن تقصیر متمتع بمجازات نشده است اگر تقصیر متمتع بمجازات نشود و ثانیاً آن تقصیر از او سر زده است چه بسا میشود که وقوع آن تقصیر در مرتبه دوم ناشی از عدم مجازات او بود و اگر مجازاتش میکردند مرتبه دوم آن تقصیر را تکرار نمی کرد پس در صورتیکه تقصیر متمتع بمجازات نشده باشد در صورت تکرار باید همین همان مجازات باو داده شود نه اینکه مجازات را مضاعف بکنند و در صورتی هم که تقصیر تکرار شده چنانکه در اصل مجازات بکنوع جنبه رادعیت و عبرت است در تکرار مجازات هم آن جنبه رادعیت است پس در صورت تکرار تقصیر باید مجازات هم بدون این که مضاعف گردد تکرار شود بلی اگر این تکرار بر تیر رسد که از تکرار مجازات هم دیدیم رادعی هم نرسید آن وقت لازم است مجازات مضاعف شود تا اینکه بعضی تکرار تقصیر در مرتبه دوم مجازات مضاعف کرد و بلکه باید مراحل را طی کند تا مضاعف شدن مجازات برسد .

**عدل الملک** اعتراض اول ایشان این بود که چرا حبس را برزنی تازیانه ترجیح داده اند گمان میکنم ترجیح حبس بضر تازیانه بداعت دارد و محتاج باظهار نیست اما اینکه میفرمایند چرا مجازات را از یکروز تا پنجاه روز قرار داده اند در جلسه سابق عرض کردم قطع نظر از این که موارد بواسطه ماده ۲ و ۴ و ۵ فرق میکنند بنظر ممکن است برای مرتب یکاوضاع و احوالی پیش بیاید که در وضعیت مجازات او فرق پیدا شود یک شخصی که یک عملی را مرتکب میشود ممکن است با یک مقدمات و مقارناتی بوده باشد که موجب اختلاف مجازات و جرم او بشود این مطلب را قضا برای تسویه امور بیشه در منظر دارند و باین ملاحظه است که از یک روز الی ۵۰ روز معین شده بنده گمان می کنم از هر نمره که شروع می کردیم از یکروز تا دهروز یا از دهروز تا صد

روز یا صد روز تا هزار روز ( باز قابل تنقید بود که چرا تا آن نمره شروع شده است لهذا با اختیار آنکه موارد ارتکاب مرتکب ممکن است شدید و ضعیف باشد از یک روز تا پنجاه روز تشخیص داده شده بنظر قضات که در محاکم رسمیه تصدیقات تطبیق میکنند و مجازات میدهند حاله شده اند عرض کردم بنظر که ارتکاب فرق میکند آن اوضاع و احوالی هم که بآن مقصر نسبت داده میشود موجب تأثیر در مجازات او خواهد شد و اینکه از برای تکرار ارتکاب دو فرض کرده اند یکی آنکه اگر مقصر جزا داده نشود ممکن است او را جزا بدهند و اگر جزا داده شده است دیگر چرا مشدد و مکرر میکنند عرض میکنم تکرار ارتکاب اسباب میشود که مجازات را شدیدتر بکنند بجهت اینکه کسی که عادت با ارتکاب جرم کرد برای اینکه ترک عادت او بشود مجازات را باید تکرار کنند که ترک کنند و بلکه او نشود و هر قدر بیشتر از او جرم ظاهر شود جزای او شدیدتر میشود .

**حاج شیخ حبیب الله** - تادون اعلی البر والتقوی و الاماء تواعلی الامم و لمدوان این مجازاتی که معین شده است از دو قسم خارج نیست و این شخص را که مجازات میکنند یا بواسطه این است که خیانت و نقص قانون اساسی را کرده است اگر مجازات از جهت این است که ضرر بدولت زده است مثلاً صد دینا پول چپاری را که باید بدهد نداده کفذا را بدست چاروادار داده و صد دینا ضرر زده است در این صورت چون معنی مشروطیت تساوی در حقوق است و تمام افراد مردم ذوی الحقوق هستند و هر کس چه ضرر بدست و چه بدولت بقدر ضرری که زده باید او را مجازات کرد نه اینکه از برای یکتومان دوازده هزار تومان یا برای یک شاهی دوازده هزار شاهی مجازاتش کنند زیرا که لازم دولت مشروطه تساوی در حقوق است و اگر بگوئیم این مجازاتی که باین شخص داده میشود بلحاظ این است که این شخص خلاف قانون کرده است باز عرض میکنم ( مجازات کل شیئی بجهت) در اینصورت باید مجازاتش بقدر صد دیناری که مغالفت باقانون کرده بشود یک بلو این است که ما شخصی را که مغالفت با قانون و ناقص قوانین است مجازات میکنیم و یک بار این است که پنجاه نفر را مجازات میکنیم و هر گاه کسی را برای صد دیناری که مغالفت با قانون کرده یکسال حبس کردیم پنجاه نفر حبس شده اند نه یک نفر مثلاً شخصی از او طلب کاراست و هر روز بحسب اقساط این پول را میداده است وقتیکه این شخص را بردند حبس کردند طلب مردم از میان میرود پس در واقع مجازات با آنها داده شده است دیگر این شخص اهل و عیال دارد و اولاد و اطفال و کسانی را دارد که باید مخارج آنها را بدهد و روزی یک تومان کاسبی میکند و خرج آنها نمینماید بعد از آنکه او را بردند یکسال حبس کردند اهل بیت و کسان او یک روز دو روز پنج روز اساتیه اش را میفرشند و خرج میکنند اما یکسال آیا فکر این فقیر رعیت را کرده اند یا اینکه باید بسوزد که مغالفت با قانون کرده است اگر مجازات در همه جا یک طور است پس چرا قانونی که از برای تشکیلات

مالیه جعل شده است در اینجا خاطر کتبی قناعت شده در اینجا باید از برای جزئی خیانتی که در واقع خیانت نیست یکسال حبس شده حالا در صورتی هم که خیانت باشد چندان جای آن حبس دارد یکی نیست که ملاحظه بین افراد این اشخاص نشده که آیا این شخص عالم است یا جاهل است در اینجا بهیچ وجه فرقی بین اشخاص نگذاشته اند و گفته اند هر کس که خلاف این قانون را کرده ام از اینکه عالم باین قانونی که ما جعل کرده ایم باشد یا نباشد باید مجازات شود حال آنکه مقتضای هیچ عقلی و قانونی تجویز نمیکند که جاهل را مجازات کنند مثلاً اگر ما فرض کنیم ( اگر چه از موضوع خارج است) یک کسی شرب خمر نمود در حالیکه جاهل باین بود که خمر است او را مجازاتش نمی کنند چون این شخص نمیدانسته مدور بود (الجاهل مدور) در صورتیکه بعد از هزار و سیمصد سال که از زمان پیغمبر گذشته هنوز ما قانون شرع را نمیدانیم چطور این رعایای دهاتی که در سرحداث هستند قدری عالم باین قوانین خواهند شد تا اینکه بواسطه مغالفت آن مجازات شوند این مطلب بنظر بنده صحیح نمی آید حالا آقایان آنچه بنظرشان می آید خواهند فرموده و باز عرض میکنم اگر بنای مجازات بتازیانه و غیر این تمیز کنند که بتیرسد و من بعد این کار را نکنند و ما التوفیق الدیاله و علیه توکلته

است با کسی که عالم بنام شرائط قانونی است مساوی باشد باید این مسئله را قاضی محکمه در نظر بگیرد و اینکه از یکروز تا پنجاه روز نوشته شده برای همین است که اگر در یک موردی مغالفت کنند باقانون جاهل باشد مجازات او را یک روز حبس قرار دهند و اگر عالم و عاقداً مغالفت با قانون کرده باشد پنجاه روز حبس شود و این تفاوت ۴۹ روزی که منظور شده است رفع این ایراد را میکند .

**حاج شیخ محمد حسن** - اینکه آقای معاون فرمودند لازمه مجازات تطبیق است این فرمایش صحیح است و لازمه مجازات تطبیق است ولی بر مقصر نه بر غیر مقصر اهل و عیال او تقصیر نکرده اند که در تطبیق باشند و این فرمایش ایشان رفع اشکال را میکند و دیگر فرمودند بواسطه حد اقل و اکثر فرقی مابین عالم و جاهل گذاشته ایم بسا اینکه خودشان میفرمایند فرق گذاشتن مابین ایندو برخلاف اصل اساسی قوانین است با این وصف بر میگرددند و توضیح میدهند که کسیکه جاهل بود یک روز و کسیکه عالم بود پنجاه روز حبس میشود بنده همین قدر عرض میکنم که اگر قائل باین مسئله هستند که فرق بین جاهل و عالم گذاشته میشود مسا حرفی نداریم ولیکن این مطلب صحیح نیست که مابین عالم و جاهل در مجازات فرق گذاشته شود نهایت آن شخص جاهل مقصر است که نرفته است و نپا موخته است و از جهت نپا موختن با عالم تفاوت نمیکند زیرا که جاهل مقصری که در مقام و در فکر آموختن نباشد با عالم تفاوت نمیکند و هر دو یک صورت و یک حکم را دارد و بعد از آنکه یک صورت را پیدا کرد این اظهارات رفع اشکال را نمیکند که در صورتیکه تقصیر هر دو یکی باشد یکی را یک روز و یکی را پنجاه روز حبس کنند .

**مدرس** - چون در حقیقت قانون مجازات محل ابتلا است باید این عرض را بکنم نظریات آقایان همه در مورد خودش صحیح است و لکن این مجازاتی که الان در کمیسیون عدلیه مطرح نظر است البته ملاحظاتی در آنها شده و اینقسم نوشته شده است بلی ضرب یکی از اقسام مجازات است محل هم دارد و جایز هم هست و لکن ما در اینجا یک نظر دیگر را ملحوظ داشته ایم و فلسفه را که از جای دیگر بدست آورد ایم ملاحظه میکنم و آن این است که هر جائی که پای مال در میان بیاید حبس تجویز شده است و در اینجا این شخص که خیانت کرده است ضرر با دارنده زده است و از ثبوت اینکه ضرر با دارنده زده است بدو جهت مجازات بر آن مترتب میشود چون ضرر مالی یکدفعه کم و یکدفعه زیاد میشود و یک مسئله عمده نظریاتی است که در این مجلس باید ملحوظ بشود و آن ملاحظه انتظام و سیاست مملکت است که بدون انتظام و سیاست مملکت اداره نمیشود بلکه دنیا اداره نمیشود و البته بواسطه مقتضیاتی که بیس آمده است از برای آن چیزهایی که برخلاف انتظام است مجازاتی معین خواهد شد آنچه از روی آنچه دستور العمل داده شده است ما داریم که اگر کسی مال کسی را خورد و نداد باید حبسش کرد ( لئلا رجعل عقبه) باین ملاحظه اینجهت هم بواسطه آن ضرر مالی که با دارنده زده است حبس تجویز شده است و ضرب و ابدار این مسئله که حبس زیاد است بنده هم تصدیق

دارم که حبس زیاد است لهذا در آن پیش نهادی که بنده کرده بودم پنجاه روز منتهای آن بود و آقایان نظرشان بر صد روز بوده و لکن اصلا مجازات باید حبس باشد نه ضرب اینجا جای ضرب نیست و البته جاهای دیگر هم مجازات ضرب خواهد بود معین است و تخلف نخواهد کرد در هر موردی بمناسبت آن مورد مجازات منظور و معین میشود بعضی جاها باید ضرب باشد لایق بعضی جاها باید حبس باشد لایق بعضی جاها هر دو با هم باید باشد و لکن نظری که اینجا در حبس بوده ملاحظه ضرر مالی است و اما از جهت زیادای آن گمان نمیکند اگر آقایان پیش نهادی بکنند که این زیادای کم شود آقای مغیر و معاون قبول کنند و کم شود مزاحمتی نباشد

**رئیس** - مذاکرات کافی است ؟ ( بعضی گفتند کافی نیست ) رای میکنیم که مذاکرات کافی است یا کافی نیست - آقایان که مذاکرات را کافی میدانند و کم شوری قیام نمایند

**رئیس** - مذاکرات کافی است ؟ ( بعضی گفتند کافی نیست ) رای میکنیم که مذاکرات کافی است یا کافی نیست - آقایان که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند

**رئیس** - اکثریت است رای میکنیم بماده ۵۲ آقایانیکه ماده ۵۲ را تصویب میکنند قیام نمایند

**رئیس** - تصویب شد ماده ۵۳ قرائت میشود (بضمون ذیل قرائت شد)

**ماده ۵۳** - هر گاه کسی تمیر باطله یا سایر اوراق قیمتی باطل شده را استعمال کند از شش روز الی یکماه حبس میشود

**رئیس** - در این ماده مغالفتی نیست ؟

**حاج شیخ محمد حسن گروسی** - اشکال بنده در عدم تناسب شش روز الی یکماه است اقلاً از شش روز الی ده روز خوبست معین کنند

**رئیس** - پیشنهاد کنید

**حاج عز الممالک** - اگر چه در ماده قبل این مذاکرات شد و توضیح هم داده شد ولی باز متأسفانه ماده رد شد بنده خیلی متأسفم از اینکه این اول قانون مجازاتی است که بمجلس آمده و ما عرض میکنم تائب کتیب ردمینما ایم ولی حالاً راجع بفرمایشی که آقای شیخ محمد حسن فرمودند عرض میکنم این مسئله در شب قبل هم توضیح شد که از برای تقصیر باید در جات معین نماند اشکالاتی پیش خواهد آمد یعنی در موقع تقصیر اشکالاتی پیدا میشود که محکمه میتواند تمیر بدهد و ما قلاً نمیتوانیم تمام آن اشکالات را پیش بینی کنیم و مجازات های آنها را بنویسیم پس بایستی همین طور که تقصیر را بدرجات تقسیم کرده اند باشد زیرا تصدیقات که واقع میشوند ممکن است تمیر را کمتر بفرورشد باز یا بیشتر بفرورشد یا این که مقصر جاهل باشد یا مسبوق باشد و عمداً همچو کاری کرده باشد پس اینها را قلاً نمیشود معین کرد باید حد اقل و اکثری قائل شد و بنظر محکمه واگذار کرد اساساً هم همان است که عرض کردم اگر ما نسبت باین مواد رای ندهیم خیلی جای تأسف است .

**حاج شیخ اسدالله** - بلی بنده تصدیق دارم که خیلی جای تأسف است که قانون مجازات بمجلس می آید و چند ماده آن رد میشود ولی افسوس بنده از این جهت است که چرا باید این مواد طوری نوشته شود که وقتی بمجلس آمد آن مواد رد شود اما در

باب مجازات گمان میکنم تمام مجلس متفق باشند که بدون مجازات مملکت اداره نخواهد شد ولی از روی انصاف اگر یک قدری در این مواد نظر بکنم ببینم یک موادی نیست که کسی بخواهد رای بدهد در این ماده مینویسد ( هر گاه کسی بتواند باطله یا سایر اوراق قیمتی باطل شده را استعمال کند از یک روز الی یک ماه حبس میشود) بنده در اصل مطلب نظر ندارم شاید هم موافق باشم که اگر کسی تمیر باطله استعمال کرد خلاف قانون کرده و نقض قانون کرده و باید حبس هم بشود اما هر چه فکر میکنم نمیتوانم چون تقصیر معین است که استعمال تمیر باطله است آنوقت مجازات او را از شش روز الی یکماه معین میکنند بنظر قاضی واگذار میکنند این از روی چه نظر و فلسفه است بلی ممکن است استعمال تمیر باطله را بدو قسم تصور کرد یکی سهواً یا عمداً یا مقصر یا مقصر بهر حال یا عمداً یا عمداً این تقصیر را میکنند مجازاتش باید حد معینی داشته باشد و بگویند شش روز یا هشت روز یا هشت روز یا ده روز حبس میشود یا اگر از روی علم نبوده و سهواً این کار را کرده آنهم اگر مجازاتی داشته باشد باید یک مجازاتی داشته باشد باید یک مجازات اقلی برایش قرار بدهند در اینجا بطور کلی مینویسد که ( هر گاه کسی تمیر یا سایر اوراق قیمتی باطل شده را استعمال کند از یک روز الی یک ماه حبس خواهد شد ) بدون هیچ قبلی و بیبیل و اراده خود قاضی واگذار کرده اند در صورتیکه ممکن است قاضی بایک کسی که خصوصیت دارد و تقصیرش بیشتر است شش روز او را حبس کند یا بایک کسی که خصوصیت ندارد و تقصیرش کمتر است او را یکماه حبس کند این هیچ فلسفه ندارد باید این تقصیر معین باشد و حد مجازات هم معین باشد والا اگر باین ترتیب باشد بنده که رای نمیدهم و رای ندانم بنده هم باین نظراست که هر ض کردم والا اگر حد مجازات معین شود بنده اول کسی خواهم بود که رای میدهم .

**عدل الملک مخبر کمیسیون** - خیلی محل تأسف است که اگر در دفتر داد اعضا مجلس شورای ملی سؤال شود تصدیق میکنند که از برای مملکت مجازات نهایت لزوم را دارد و کسی نیست که مغالفت باشد و با این عدم اثر بجزایات و با اینکه مردم به ملکات بد عادت کرده اند تصدیق خواهند فرمود که مجازاتهای خیلی شدید لازم است بنده گمان میکنم در واقع کمیسیون وقت قلب مصرف کرده است و مجازات را اینطور خفیف قرار داده است با اینحال نمیدانم بچه ملاحظه آقایان آنقدر اشکال میکنند و میفرمایند در باب مجازات دقت نشده است و فلسفه او معلوم نیست در صورتیکه فلسفه او همان طوری است که نوشته شده است و مکرر عرض کرده ام کمیسیون از هر چاک شروع میکرد و بهر جا که ختم میکرد باز یک تنقیدی پیدا میشد و یک اعتراضی میکرد در حالیکه خود ایشان اگر یک حد اقل و اکثری معین میکردند باز ممکن بود یک کسی دیگر اعتراض کند که خوب بود یک طوری دیگر نوشته بشود باز عرض میکنم که بهترین قانون مجازات همین شش هفت ماده است که در واقع نمونه قانون مجازات است و جالب نظر تمام مردم است که مجلس انجام بدهد و بگذرانند و حالا متأسفانه دیده میشود که اینطور دچار حملات بی دریغ میشود در صورتی که



این مجازاتیکه کمیسیون در نظر گرفته بعقیده بنده خفیف ترین مجازاتی است که در مجلس وضع میشود و این مجازاتها برای خلاف قانون است و در موقع تصدی یکی از این جرائم باید موافق آن درجه بندی یعنی از ۶ روز بیلا مقصر را مجازات کرد و این از نقطه نظر این است که برخلاف انتظام مملکت رفتار میکند و برای ارتکاب خلاف قانون این مجازاتها خیلی خفیف است و گمان میکنم فلسفه را که آقایان در نظر گرفته اند راجع بحدت است در صورتیکه بنده منتظر بودم اظهار بکنند چرا يك مدت کوچکی برای ارتکاب این خلاف قانونها معین شده است .

**آقای شیخ راهیم زنجانی** - اینچادر خصوص مجازات بعضی مناکرات میشود که گناه يك مینا و اساس خوبی در دست نیست اولاً کسانی که از شرع خبر دارند میدانند که شرع تصصیرات را دو قسم معین کرده است گناهان کبیره و گناهان صغیره بعضی را حدود قرار داده و بعضی را تازی بردن تازی بردن معین قرار نداده است مثلاً تازیانه را بنظر حاکم واکدار کرده لکن حدی قرار داده که از فلان مقدار بیشتر نباشد مثلاً حکم میکند از ده تازیانه تا صد تازیانه صد چون حد است حاکم تا ۹۹ مخیر است که بحسب اقتضای وقت و بر حسب اقتضای حالات آن شخص حکم کند پس حدی معین است و لکن تعیین اقل و اکثر بنظر حاکم است اما در قانون عرفی من نمیدانم نظر بچه بوده است قانون کلیتاً در تمام ممالک تصصیرات را سه قسمت کرده است یکی را باصطلاح همانها قباحت میگویند درجه دوم راجعه و درجه سوم راجعیت قباحت را باصطلاحی که آقای مشیرالدوله اصطلاح کرده اند خلاف میگویند و مجازات خلاف یکدرجه دارد یعنی از يك روز تا یکماه بیشتر نمیشود ولی حاکم در تعیین حد آن مختار است همینکه داخل جنحه شد از یکماه است تا یکسال و اینکه داخل جنایت شد از یکسال است تا چند سال آن هم بسته بنظر حاکم است اینچا مذاکره شده از يك روز تا پنجاه روز من ندانم که این خلاف است یا داخل در جنحه است یا داخل در جنایت اما این دومی که از ۶ روز تا یکماه باشد مناسبتر است دیگر روز ۲۰ روز خیلی بعید است باز شش روز تا یکماه يك مناسبی دارد پس این نظریات را باید بکلی دور کرد که چرا مختلف قرار داده اند باید مختلف باشد و حدی هم داشته باشد که نظر حاکم آن را معین کند يك اعتراض دیگری هم شده که کسان آن شخص گرسنه می مانند در آنجاها که مجازات قرار میدهد گناه کسان او مضطر باشند دولت مادامی که او را حبس کرده معاش میدهد مجازات را میکنند و اگر عیب و نقمی دارد علاج آنرا هم میکنند در هر جایی هم که ضرب مناسب است ضرب را باید بمناظر قرار بدهند در اینجا حبس قرار داده شده است مناسب هم هست يك چیزی هم گفته شد که برای ضرر مالی حبس قرار داده شده است اینطور نیست يك کسی دوربال دزدی میکند دستش را ببرند مناط تصصیر است نه ضرر صد دینار و غیره چون مقصر است و تصصیر کرده است باید مجازات شود و حبس شود شخصی هست که از برای این تصصیر باید شش روز حبس شود شخص

دیگری هست که باید يك ماه حبس شود این دومی باز اگر رای داده شود مناسب تر است مقصود من این بود که این اشکالات از بین رفع شود این مجازات را هم لازم میدانم .

**حاج شیخ اسدالله** - اینجا گویا يك اشتباهی شده است فرمایش آقای آقا شیخ ابراهیم راجع بتقصیرات فرمودند درست است مطابق نظریات شرعی که بعد از اینکه از میزان آن حدی که شارع مقدس قرار داده است خارج شد تزییر است و بسته است بنظر حاکم شرع این را قبول داریم در قانون هست و خلاف و جنایات را سه مرتبه قرار داده و از برای مجازات هر مرتبه هم يك حد اقل و اکثری معین شده است در قوانین موصوفه هم همین طور است این را هم قبول داریم ولیکن در مانحن فیه باید وقت کرد و باید دید که با قوانین شرع با قوانین موضوعه مجازات که حد اقل و اکثر قرار داده اند چه مناسبت دارد در آنجا که حد اقل و اکثر قرار میدهند از برای يك مجازات و تصصیر معین نیست مثلاً از برای خلاف که حد اقل و اکثر در مجازات قرار میدهند برای این است که نوع خلاف مختلف است يك خلاف کوچک است و يك خلاف بزرگتر است همچنین مرتبه بر تبه بالا برود تا برسد بيك حد اکثر و همچنین جنحه و جنایت هم درجات دارد این است که در تزییر است هم شارع مقدس بنظر حاکم شرع قرار داده است که بسنجید و ببیند این شخص که این خلاف را کرده است چه نوع از خلاف را مرتکب شده است و باندازه خلافیکه از او صادر شده است او را مجازات بدهد اما در اینجا تصصیر يك تصصیر معین است و هیچ حد اقل و اکثر لازم ندارد و باید يك مجازات معینی داشته باشد وحد اقل و اکثر در آن تصور نمیشود يك تصصیر معین است و باید يك مجازات معین باشد بنده عرض کردم که نسبت بسنخ مجازات عرضی ندارم نمیگویم مجازات زیاد است مجلس تصویب کند که از برای این شخص که خلاف قانون کرده است و اسباب بی نظمی فراهم کرده است پنجاه روز کم است او را ۶ ماه حبس کنند اما حدمعین باید داشته باشد تصصیر معین است دیگر برای تصصیر معین نمیشود شش روز تا يك ماه حبس قرار داد بلی در صورتی که يك تصصیراتی باشد که شدت و ضعف داشته باشد میشود مجازاتش را هم بتفاوت معین کرد اما از برای يك تصصیر معین بنده هر چه فکر میکنم نمیدانم چه فلسفه دارد که باید مجازات را مختلف قرار داد وحد اقل و اکثر برایش قرار داد و يك کسی را که يك تمبر باطله استعمال کرده است شش ماه حبس کرد

**معاون وزارت عدلیه** - بنده تصور نمیکنم این دورود تسلسل که راجع به تعیین مجازات حاصل شود باید ناشی از دو نظر مختلف باشد البته اگر از نقطه نظر قوانین اروپائی و خارجی صرف نگاه کند اساس تحقیق بکلی تغییر میکند همینطور اگر بخواهند از نقطه نظر عادت و مملکتی و شرع نگاه کنند باز اساس تحقیق شبه دیگر پیدا میکند سو کمیسیون قوانین عدلیه در این قوانین و در قوانین هم که سابق وضع کرده و امروز مجری است نقطه نظرش این بود که احتیاجات امروزه مملکتی را با روابطی که با خارج دارد با شرایط هادی مملکتی و احکام شرع نزدیک و مطابق کند و قانون بنویسد

البته این کار سهل و ساده نیست که فوراً بيك نظر در چند ماده قانون کشف شود و اغلب از آقایان که اینجا اعتراض میکنند آقایانی نیستند که در کمیسیون عدلیه بوده اند اگر در کمیسیون بودند میدیدند زحماتی را که آقای مدرس و سایر آقایانیکه تشریف داشته اند برای گرفتن این نتیجه کشیده اند این ایرادات را نمیگیرند مسلم است چون آن مقدمات کنند من جمله آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند در هیچ جای دنیا معمول نیست از برای يك تصصیر حد اقل و اکثر معین کنند بنده بکلی در این مطلب تردید میکنم و خیلی از این مسئله متأسفم بواسطه آنکه حد اقل و اکثر مخصوصاً از برای يك تصصیر معین شده است اگر تصصیر مختلف باشد حد اقل و اکثر نمیخواهد حد اقل و اکثر برای رعایت مقتضیات خارجی است که با آن تصصیر همراه میشود و با حالت روحیه آن مقصر در موقعیکه آن تصصیر را بکنند توأم است مثلاً يك کسی دزدی میکند دزدی دزدی است و لو اینکه بقدر صد دینار نان يك کدائی از در دکان نانوائی دزدی کرده باشد یا اینکه يك شخصی بیاید داخل خانه و يك تجارتخانه بشود و يك صندوق پول بردارد آیا باید قاضی محکمه بین مجازات آن کدائی که از روی اضطرار و گرسنگی اینکار را کرده است با آن شخص شقی که عادت بدزدی کرده است فرقی نگذارد برای این مسائل است که حد اقل و اکثر قرار داده شد است حد اقل و اکثر بیشتر در مورد تصصیر واحد است در تصصیرات مختلفه هیچ حد اقل و اکثری لازم نیست حالا ممکن است این دفاعیکه بنده در اینجا میکنم او نقطه نظری باشد که مخالف بانقطه نظر آقا باشد و شاید فرمایش آقا از يك نقطه نظری باشد که تطابق بانقطه نظر بنده نداشته باشد ولی گمان میکنم اگر وجوع به اعضائی که در کمیسیون بوده اند بکنید و زحماتی را که کشیده اند ومدتها صرف وقت کرده اند جمعیکه بین نظریات مختلفه و نظریات خارجی و روابطی که با دول موجود است کرده اند ملاحظه فرمائید رفع اشکال میشود مثلاً این قانون یتیمی يك قانون بین المللی است يك قانونی است که باید با تمام طول اروپا مشترك باشد باید رعایت این مسئله را کرده مجازات آن را طوری قرارداد که از مجازات دیگران چندان دور نباشد با عرض میکنم در کمیسیون رعایت تمام این مسائل شده و بنده هیچ ایراد فلسفی وارد نمیبینم فقط يك مسئله حد اقل و اکثر است که بعقیده بنده آنچه بنظر من میرسد عرض کردم حالا اگر مطلب دیگری هست بنده نمیدانم.

**رئیس** - مذاکرات در ماده ۵۳ کافی است یا نیست ( جمعی گفتند کافی است ) پیشنهادی از طرف آقای حاج شیخ محمد حسن شده است قرائت میشود رای میگیریم .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

این اقل پیشنهاد میکنم از ۶ روز الی دهر روز در ماده ۵۳ معین شود .

**رئیس** - توضیحی دارید ؟

**حاج شیخ محمد حسن** - توضیح همان بیاناتی است که عرض کردم البته تصدیق میکنم که آن کسیکه محیط و عالم بعقایت است حق او است که هر حدی را

بدون تغلف معین کند لکن بی نوع بشر چون عالم بعقایت امور هستند و هیچ احدی نمیتواند همچو ادعائی بکنند که بعقایت تمام اشباه احاطه داشته باشد لهذا اگر چنانچه حدی معین شود تقریبی است نه تحقیقی و تصصیر و جنایات هم اعتباری است اعتباری و تقریبی هم اینقدر فاصله ندارد که یکروز يك مرتبه بيك ماه و پنجاه روز ببرد اقل خوب است از شش روز تا ده روز معین شود که یکطرف او که شش روز است از تیره خودش تجاوز نکند

**رئیس** - رای میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند

عده قلبلی قیام نمودند

**رئیس** - قابل توجه نشد - رای میگیریم در ماده ۵۳ آقایانیکه ماده ۵۳ تصویب می کنند قیام نمایند

( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد - ماده ۵۴ قرائت میشود بمضمون ذیل قرائت شد

فروش و استعمال هر قسم اوراقی که به تمبر یا سایر اوراق قیمتی بست شباهت داشته باشد اکیداً ممنوع است و هر کس برخلاف این ماده رفتار نماید از ده روز الی یکسال حبس خواهد شد .

**حاج شیخ محمد حسن** - در شور اول اگر چه آقای حاج عزالمالک در این باب يك عنوانی فرمودند که از ده روز الی یکسال نظر باین است که گاه میشود مانع خطری این شخص اوراق بساطله استعمال کرده باشد و يك شخصی مبلغ کمی باین جهت از ده روز الی یکسال بواسطه تفاوت ضرر زدن به دولت معین شده است معینا بنده عرض میکنم این شخص که تقلبی کرده نه فی الحقیقه بدولت ضرر زده بلکه چون تقلب کرده است يك انتفاعاتی را بواسطه این تقلب از دولت سلب کرده معذالک بهمان نحوی که عرض کردم خوب است مراتب را معین کند

**حاج عزالمالک** - بنده همانطور که توضیح دادم و خاطر آقایان بود باز هم تکرار میکنم که حد اقل و اکثر در قانون لازم است اینجا بنویسد فروش و استعمال هر قسم اوراقی که به تمبر و سایر اوراق قیمتی بست شبیه باشد ممنوع است اولاً ایشان باید با اجرای قانونی که وضع شود قائل باشند هر قانونی که وضع میشود برای این است که حفظ حقوق عمومی بشود فقط نقطه نظر ما دولت نیست بجهت اینکه دولت هم حفظ حقوق عمومی را میکند اگر ما يك مجازات سختی قائل نشویم خواهد دید که این قانون بست عاقل و باطل خواهد ماند و يك هرج و مرجی بیش میباشد که اگر این قانون را وضع نمیکردیم خیلی بهتر بود پس باید يك مجازاتهای را قائل شد که اولاً حفظ حقوق دولت را بکنند بعد از اینکه مجازات را قائل شدیم البته لازم است فرق هم داشته باشد برای اینکه ممکن است يك شخص یا یک دسته از اشخاص اوراقی شبیه با اوراق بست تطبیق کند یا يك سائلی فراهم آورند و موسس شوند و آنها را بفروش برسانند دولت در موقعیکه موفق میشود بکشف مسئله مهمی نمیتواند باین اشخاص يك مجازاتی بدهد بمثل مجازاتی که بيك آدمی که از روی عدم اطلاع این تمبر را استعمال کرده باشد یا اینکه فرضاً يك چیزی گرفته

و يك قیمتی از این تمبرها را بمصرف رسانیده چون بین همین دو امر اختلاف کلی است البته باید متوسسین این کار با سایرین که مصرف میکنند فرق داشته باشد محقق است اگر داخل جزئیات شدیم غیر از اینها هم خیلی شقوق است بلی اگر فقط همین هم شق بود بنده هم قائل میشدم که برای شق اول يك مجازات سختی را برای درجه دوم يك مجازات کمتری معین کنند ولی چون ما بین اینها در جانی است که اگر ما بخواهیم امروز آنها را معین کنیم شاید محکمه یکروزی ببیند آن تصصیری که واقع شده بهج کدام آنها شباهت ندارد در اینصورت لازم است مقنن يك حد اقل و اکثری را قائل شود یعنی اساس مجازات را قائل شود و یعنی آنرا بنظر قاضی محکمه واکدار نماید باین دلیل بنده با این ماده موافقم و هیچ اشکالی هم در آن نمی بینم

**حاج شیخ حبیب الله** - عرض میکنم مجازات باید از برای مقصر باشد کسیکه يك تمبر پستی فروخته یا استعمال کرده تصصیری نکرده است تصصیر را آن کسی کرده است که آن تمبر را تطبیق کرده است بکنفر آدم هوام که صد دینار میدهد و يك تمبر میخرد و بگافش میزند و اتفاقاً تقلبی در میآید این بیچاره تصصیری نکرده که تا يك سال او را حبس کنند تصصیر را کسی کرده که آن تمبر را تطبیق کرده باید در قانون چنین نوشته شود که اگر کسی تمبر پستی را تطبیق کرده مجازاتش کنند و اگر دولت بخواهد باو ضرر نخورد وقتیکه يك شخصی تمبر تقلبی میآورد آنرا حمل نکنند والا از روی جهالت سبب نمیشود که آن بیچاره را يك سال حبس کنند

**عادل الملک مخبر** - این فرضی را که آقا میکنند مورد نظر آقایان واضعین نبوده و يك شخص که اتفاقاً از روی عدم علم يك ورقه بدستش میآید از برای او هیچ مجازاتی در نظر نداشته اند و متعجب بيك جزائی نمیکند این راجع بيك مسئله دیگری است و برای موقع دیگری است که قبلاً مذاکره شد

**سر دار معظم** - بنده با اصل این مطلب مخالفی ندارم و موافقم ولی این عبارت من مقصود را نمیرساند فروش و استعمال هر قسم اوراقی که بتمبر یا سایر اوراق قیمتی بست شباهت داشته باشد ممکن است خیلی چیزها بتمبر شباهت داشته باشد مقصود این است که هر کس تمبر یا اوراقی بسازد و در عوض اوراق قیمتی و تمبر بفروشد والا خیلی چیزها هم شباهت دارند شباهت اسباب تصصیر نمیشود ممکن است در کارت ها بعضی شکلها باشد که به تمبر شباهت داشته باشد پس این شباهت آن مقصود را نمیرساند

**مدرس** - در اینجا خیلی مطالب طرح شده است اولاً مسئله علم است در حق جاهل هیچ مجازاتی جاری نیست و هر کس ثابت شد جاهل بوده و کاری کرده معاف است و اینکه فرمودند در اینمواد بنده نظریاتی داشته ام آقایان بدانند که در اصل تصصیر نظرم همین بود که عرض کردم تفاوت مراتب حتمی است و باید حد اقل و اکثر باشد گفتگو هم ندارد اما در مقدار صدور و ۵۰ روز و غیره هر کس در پیشنهادی دارد باید پیشنهاد کند والا نسبت بنظریات من فرقی ندارد که صد روز باشد یا پنجاه روز و اما اینکه فرمودند هر کس تمبر بسازد آن يك خیانت بسیار بزرگی است و مجازات آن مثل مجازات شخصی است

که سکه قلب زده باشد و خارج از این مواد است از این ماده مراد این است که تمبر اشتباهی را بداند اشتباهی است و استعمال کند سازنده اش کس دیگر است این شخص بدست آورده است و فروخته است یا استعمال کرده است این ماده بنظر من صحیح است حالا اگر مجازاتش زیاد است بسته بنظر آقایان است .

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست ؟ ( گفته شد کافی است ) پیشنهادی از طرف آقای حاج شیخ یوسف رسیده قرائت میشود .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم که در ماده ۵۴ نوشته شود .

ساختن و فروش و استعمال اوراقی که به تمبر یا سایر اوراق قیمتی بست شباهت داشته باشد اکیداً ممنوع است .

**رئیس** - آقای حاج شیخ یوسف توضیحی دارید ؟

**حاج شیخ یوسف** - خیر

**رئیس** - کمیسیون چه میگوید ؟

**عادل الملک مخبر** - ساختن آن باهوریکه آقای مدرس فرمودند در مبحث مجازات عمومی است ربطی با اینچا ندارد .

**رئیس** - پس رای میگیریم در قابل توجه بود این پیشنهاد آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

عده قلبلی قیام نمودند

**رئیس** - قابل توجه نشد - رای میگیریم در ماده ۵۴ آقایانیکه ماده ۵۴ را تصویب میفرمایند قیام نمایند .

( عده کثیری قیام نمودند )

( ماده ۵۴ تصویب و ماده ۵۵ بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده ۵۵ - اجرای مجازاتهای فوق موقوف بصدرور حکم رسمی از معاکم عدلیه است .

**رئیس** - رای میگیریم در ماده ۵۵ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند .

( اغلب قیام نمودند )

( ماده ۵۶ بمضمون قرائت شد )

ماده ۵۶ - در تمام مواردیکه ذکر شد رضایت مقصر و تصویب محکمه ممکن است هر یکروز حبس بيك تومان تبدیل شود .

**حاج شیخ حبیب الله** - در صورتیکه بخواهند بتراض طرفین حبس را روزی يك تومان تبدیل کنند ممکن است بتازیه رضایت او یا اینکه روزی بدو هزار مصالحه کند بجهت اینکه این اشخاص که مجازات میشوند ضعیفای مردم هستند فرضاً کاسبی که روزی دو هزار هایدی دارد نمی شود از او روزی يك تومان گرفت یا اینکه او را حبس کرده حبس را هم که از اول گفتیم صحیح نیست آقایان قبول نکردند .

**مخبر** - مطالب این مواد قانون بيك نظر سطحی ملاحظه میشود کرازا عرض شده که وقتی رضایت مقصود به تصویب محکمه واکدار میشود بجهت این است که بعضی مواقع محکمه باید خیلی تصبیب کند حبس میکنند و بعضی مواقع که باید تصبیب را کمتر کند آنوقت حبس را تبدیل به پول میکنند یا اینکه بسا



میشود که او را متحمل میدانند و برابری او خسارت مالی را کافی میدانند آنوقت حبس را از برای او معین میکنند و یکی هست که ارتکابش را چندین شدید نمیدانند حبس او را مبدل بجزای نقدی میکنند این یکی از مواردی است که جناب عالی در مقدمه تأیید میفرمودید و حبس را شدید میدانستید حالاً کم که موافق دلخواه شما شده است

**حاج شیخ حبیب الله** - این دو شش را بیان فرمودند اما یک شق دیگرش را که این مردم فقیر است و هم ضعیف فرمودند کبفر یکماه دو ماه یا یکسال حبس صحیح نیست اما اگر بخواهند تبدیل به پول کنند با این قسم آدم چه میکند؟ کسیکه حبس قانون میکند باید ملاحظه تمام اطراف و اشخاص را بکنند نه ملاحظه یک فرد و دو فرد و اگر ملاحظه بکنند و دوفرد باشد دیگر احوال بچهل قانون نخواهد بود

**رئوس** - در ماده ۵۶ دیگر مخالفی نیست؟ رأی می گیریم آقایانیکه با ماده ۵۶ موافقت قیام نمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

**رئوس** - تصویب شد - ماده ۵۷ خوانده میشود (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۵۷ - دواوی که اداره پست خانه بواجب مواد فوق بخالفت کنندگان خواهد داشت ممکن است قبل از مراجعه به محاکم عدلیه مرضیاً بمصلحه فیصله نماید

**سردار معظم** - چنانکه در ضمن شور اول عرض کردم حالا هم تکرار میکنم بنده تصور میکنم این ماده بر خلاف مواد فوق باشد بجهت اینکه مراجعه باین چند ماده مجازات که امشب تصویب شد بکنیم خواهیم دید که در هیچ کجا نظائر اقتصادی اداره پستخانه در نظر نبود بلکه نقطه نظر تقصیر ها و ارتکاب خلاف قانونهای مملکتی بوده است که در مقابل آن خلاف قانونها مجازاتهای وضع شده است ماده ۵۲ حاکی از این مسئله است ماده ۵۴ هم همینطور اگر کسی تبر باطله استعمال کند خلاف قانون کرده است و اثبات تقصیر و صدور حکم مجازاتش باید در محکمه دیگری که قریب از اداره پستخانه است بشود پس در اینصورت بعقیده بنده اداره پست بواجب مواد فوق نمیتواند قبل از معاکمه صلح کند این یک حق است که مربوط به اداره پست نیست پس از آنکه یک کسی محکوم شود مرتکب یک خلافی شد و وظیفه مدعی العموم خواهد بود که او را تعقیب کند پس از آنکه تعقیب کرد و مقصر شد مجازات میشود بهمان مجازاتی که از برای او تعیین شده است و دیگر حق ندارد برای او مجازات معین کند پس زمینه اصلاح با پستخانه بکلی مخالف مواد فوق است.

**مدرس** - آن روز هم آقای سردار معظم این فرمایش را فرمودند آقای معان هم یک جواب غیر مرضی دادند ولی آن وقتی که بنده جواب عرض کردم نه آقای معاون بودند نه آقای سردار معظم عرض کردم تقصیرات ۳ قسم است یکمرتبه فقط تقصیر خصوصاً است یکمرتبه فقط تقصیر عمومی است یکمرتبه تقصیر عمومی است که منشأش تقصیر خصوصی است مثل اینمواد است که اینجا ذکر شده چون کسیکه این تقلبها را میکند ضرر بداره میزند و این ضرر زدن بداره جلو انتظام اداره را میگیرد پس یک تقصیر عمومی از روی تقصیر خصوصی حادث میشود و وقتیکه تقصیر عمومی از روی

یک تقصیر خصوصی باشد (مثل اینکه یک کسی آمده یک مشت بگوش مرد البته منشأ تقصیر همومیش اینست که مشت بگوش نزنده است) اگر من که کتک خورده ام قبل از ثبوت باید صلح کنم یا نفوق کنم باز مدعی العموم طرف را بجا که میکشد بله بعد از ثبوت همین است که میفرمایند بعد از ثبوت مدعی العموم میتواند تعقیب بکند اما قبل از ثبوت یک ادعائی است که هنوز معلوم نیست واقعت دارد یا نه من بواسطه این ادعای غیر ثابت مدعی هستم اگر ادعا نکردم مدعی العموم بخالی اینکه شاید واقعت داشته باشد میتواند تعقیب کند؟ - خیر - لهذا در اینصورت هم چون منشأ این تقصیر عمومی آن ضروری است که اداره پست ادعا میکند و هنوز ثابت نشده است و قبل از ثبوت شاید واقعت نداشته باشد اگر صلح کرد و یا عفو کرد دیگر جای تعقیب مدعی العموم و تقصیر عمومی نیست قانونهای دیگری را هم بنده بصیرم در آنها هم مدین فلسفه هست پیش از ثبوت اگر مدعی خصوص تعقیب نکرد دیگر مدعی العموم تعقیب نکند و الا دوفرد یکی در مورد قتل و یکی در مورد سرقت که باشک هم مدعی العموم تعقیب میکند ولی در سایر جاها نمیتواند باشک تعقیب کند و باید با علم تعقیب کند و بعد از اینکه مدعی خصوصی اصلاح کرد دیگر جای گفتگوی مدعی العموم نیست.

**معاون وزارت عدلیه** - چون آقای مدرس فرمودند که بنده در مذاکرات جلسه قبل یک جواب غیر مرضی داده ام بنده میخواهم جواب غیر مرضی را توضیح کنم که آقایان بدانند که مال موافقت را با اظهارات ایشان داشته منتهای تفاوت در بین فصاحت و بیان است البته بنده بقدر ایشان فصاحت بیان نباید داشته باشم و البته بطور قطع یقین هم ندارم ولی در اساس با اظهارات ایشان مخالفت نداشته ام از برای اینکه بنده در جواب آقای سردار معظم فقط از نقطه نظر جنبه عمومی آن بیانات را کردم و بنده از هیچ نقطه نظری نخواندم عرض کنم که منشأ این تعقیب از کجاست منشأ این تعقیب صرف منشأ عمومی است یا از یک منشأ عمومی است که متکی بر جنبه خصوصی است و آنکه فقط منشأ خصوصی است چیزی که عرض کردم در مقابل اظهار آقای سردار معظم بوده که اظهارات من میگرداند از اینکه اگر اداره پستخانه صلح کند حقوق دولت که حافظ قوانین موضوعه است از میان میرود بنده خواستم بایشان بگویم که اگر اداره پست خانه صلح بکند حقوق دولت از نقطه نظر حفظ قوانین موضوعه از میان میرود این یک اختلافی هم با خود آقای مدرس پیدا میشود و آن اختلاف این است که میفرمایند مدعی العموم نمیتواند تعقیب کند مگر بعد از ثبوت بنده عرض میکنم چرا اینطور نیست و الا اقامه دعوا در محکمه است البته مدعی العموم هیچوقت نمی تواند اقامه دعوا نسبت بیک تقصیری در یک محکمه بکند مگر اینکه از رأی خودش و برای مستنطق یک حالت یقین و قطع حاصل شده باشد اگر مقصود این معنی است بنده با ایشان همراه و لیکن بنده قصدم از استعمال لفظ تعقیب این بنده لفظ تعقیب معنایش قیام این است حتی در اصول محاکمات جزائی که نوشته شده لفظ تعقیب در این مورد استعمال میشود بکوت می بیند بواجب یک رایوتی که میرسد یک آدمی مظنون واقع میشود که ارتکاب فلان خلاف

قانون را کرده مثلا از صفحه سوری پلیس رایوتی رسیده باینکه خبر کبیری محل موافقی است از یک شخص غیر رسمی یک رایوتی میرسد وقتیکه این رایوت بیار که رسیده فوراً یار که مکلف است تعقیب کند که برود ببیند این کار را کرده یا نه (بنده لفظ تعقیب را باین معنی استعمال کردم و در اصول محاکمات جزائی هم بهین معنی استعمال شده است) چنانچه خاطر آقایان مسبوق است آنوقت رجوع به دایره استنطاق میکند و مستنطق تعقیب میکند در اینصورت از دو حال خارج نیست باینکه یک حالت قطع یقین برای مستنطق حاصل میشود و مطلب را قابل تعقیب بدانند آنوقت اقامه دعوا میکنند و دوسه راهبیکه میفرستند و اگر چیزی معلوم نشد خودشان آن شخص را تبرئه میکنند بنده قصدم این بود و میخواستم این توضیح را بدهم که جواب غیر مرضی نبوده باشد

**حاج عز الممالک** - اگر حتی محاکمه را بداره پست داده بودیم این ماد را مینوشتم چندین عیبی نداشت و کار مخالفی بنظر نمی آمد اما چون حق محاکمه با خودش نیست نمیتواند بطرف مقابل بگوید من با تو مصلحه میکنم که اگر او راضی شد کار تمام شود و قوتی ما حق محاکمه را از اداره پست گرفتیم و بعدا کم رسمی عدلیه را گذار کردیم دیگر احوق تعیین تقصیر و مجازات را ندارد و تا بتواند صلح کند فقط او باید پیشنهاد کند و محاکم عدلیه در این باب رسیدگی کنند پس در صورتیکه محاکمه با عدلیه خواهد بود چطور میتوانیم بداره پست حق بدهیم که خودش قبلاً حق مصلحه داشته باشد اگر یک آدمی مقصر است و بنظر اداره پست مقصر میاید حتماً باید محاکمه عدلیه پیشنهاد کند و از آنجا مجازات او را بخواهد فرضاً اگر در محکمه معین شد که تقصیر ندارد آنها اهمیت ندارد در نظر اداره پستخانه این شخص طرف سوء ظن واقع شده است و محاکمه آن شخص را لازم میدانند بمعکوه میگوید اگر در واقع تقصیر دارد مجازات میشود و اگر تقصیر ندارد او را مبری میکنند اما چون اداره پست حق محاکمه ندارد یک حق نا مشروعی است که بسا بگوئیم توحق مصلحه داشته باشد در این صورت چون برای اداره پستخانه مسئولیتی نخواهد بود ممکن است همیشه اقامه دعوا بکند و مصلحه نماید بعقیده بنده این غلط است برای اینکه اگر در واقع این آدم مقصر است باید مجازات شود و اگر مقصر نیست باید تبرئه شود و قبل از اینکه معلوم شود این شخص مقصر است یا نیست برای چه مصلحه کنند خود آقای مدرس فرمودند که قبل از محاکمه معلوم نیست این آدم مقصر است یا نیست پس در اینصورت با این آدم چرا باید مصلحه کنند در صورتیکه معلوم نیست مقصر است یا نیست هیچ لزومی ندارد با مصلحه شده اداره پست تا یک درجه مطمئن از اظهار خودش نباشد با یک آدمی اقامه دعوا و محاکمه نمیکند و بعد از آنکه اقامه دعوا کرده با آن شخص مقصر است مجازات میشود یا مقصر نیست نه او حاصل میشود در اینصورت بدون محاکمه یک همچو حقی را بیک اداره دادن برخلاف ترتیباتی است که ما متوقعیم این قانون اجرا بشود.

**عبد الممالک** - آقای حاج عز الممالک در اینجا اشتباهی کرده اند بجهت اینکه مصلحه ما بین مدعی و مدعی علیه

است نه بین محکمه و مدعی علیه و اینکه میفرمایند قضیه وقتی بعدا کم عدلیه را گذار شد آنوقت دیگر اداره پست نمیتواند طرف مصلحه این دعوا واقع شود باید بدانند که محکمه خودش تا تأیید مصلحه ندارد و مصلحه بین الطرفین است فراموش نفرمائید که در این موقع هنوز آن شخص مقصر نیست متهم است او را مقصر نباید شناخت اداره پست با یک متهمی از جهت اقتصادی معامله اش را قبل از دعوا تسویه میکند هیچ اشکالی هم ندارد و گمان میکنم این ایراد وارد نباشد

**رئوس** - مذاکرات کافی است رأی میگیریم به ماده ۵۷ آقایانیکه ماده ۷۵ را تصویب میکنند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

**رئوس** - تصویب شد - بعضی از آقایان در ماده ۵۲ که رد شده بود چند فقره اصلاح پیشنهاد کرده اند ولی چون اصل موضوع از بین رفته بود این بود که آن اصلاحات قرائت شد ولی حالا از طرف آقای معاون یعنی از طرف دولت ماده ۵۲ باین ترتیب پیشنهاد شده است قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

هرگاه کسی بر خلاف مسطورات ماده ۴۲ و ه رفتار نماید از یک روز الی پنجاه روز حبس خواهد شد در صورت تکرار تقصیر مجازات ممکن است یک صد روز بالغ شود

**رئوس** - پیشنهاد آقای موبدالاسلام هم همینطور است آقای سردار معظم پیشنهاد شما هم قرائت شود؟

**سردار معظم** - خیر بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم

**مدرس** - جهت رد شدن این ماده در اشکال بود یک اشکال صوری و یک اشکال دیگرش را هم بنده عرض کردم در یک فقره از مواد سابقه هم یک گیری پیدا شده آن این بود که ما مجازات را بجهت تقصیر میدانیم اینکه بنده رای ندارم نکته اش این بود که در شور اول پیشنهادی کردم و در مجلس هم قابل توجه شد ولی در کمیسیون قبول نکردند لهذا عده جهت رای ندادن بنده و جمعی از آقایان بجهت این یک فقره بود بعقیده بنده اگر آن یک فقره رفع نشود رأی در کلیات هم داده نشود گمان میکنم این ماده را خوبست بگذارند برای جلسه دیگر که رفع آن جهت هم بشود و یکدفعه قانون تمام شود

**مخبر** - بنده تصور میکنم این قانون پستی یک چیز غریبی شده است که مدت ها وقت مجلس را اشغال کرده و تمدید مدتی پیدا کرده است با آقای مدرس یاد آوری میکنم کسیکه رعایت قانون را نکرده باید مجازات شود و برای یکداده قانون در صورتیکه بجای خودش همه نوع ترمیم شده است دیگر نمیشود قانونی را که تصویب شده به تأخیر انداخت باینجهت بنده تقاضا میکنم بمسائلی که راجع به قانون پستی است بفوریت خانه داده شده و از مجلس بگذرد زیرا این قانون در مجلس ضرب المثلی شده است

**رئوس** - تقاضای ایشان راجع بدستور است باید رأی بگیریم - آقایانیکه تصویب میکنند قانون پستی بماند بجلسه دیگر قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

**رئوس** - در شد - ماده ۵۲ مجدداً قرائت بشود و رأی میگیریم (مجدداً بمضمون فوق قرائت شد)

**رئوس** - آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

**رئوس** - تصویب شد مذاکره در کلیات قانون پستی است - مخالفی در کلیات این قانون هست؟

**مدرس** - بلی در حقیقت این قانون چهار ماه است طول کشید و ناتمام شد و البته معلوم است این قانون خیلی لازم بود و لازم هم هست ولیکن اگر در خاطر آقایان باشد در یک مسئله اش خیلی مذاکرات شد و آنها مسئله امتیاز بود و آنکه گفتیم و اکثریت مجلس هم قبول کرده بود که امتیاز یک دولت میگیرد امتیاز پست است و یکدفعه در این قانون بود که کافذ بردن دولت میخواهد امتیاز بگیرد سابق هم عرض کردم حالاً هم عرض میکنم که امتیاز کافذ بردن در این مملکت ضرر و صدمه زیادی برای خلق دارد بلی صحیح است پست امتیازش بدارت است اگر کسی بخواهد در این مملکت کافذی را بتواند پستی ببرد صحیح نیست زیرا مقتضای صلاح و انتظام این است که پست امتیازش بدارت باشد لیکن یک فقره از یکداده مفادش این بود که کسی کافذ نمیتواند ببرد در این بنده پیشنهاد کردم که امتیاز راجع به پست باشد کافذ بردن و در مجلس هم قابل توجه شد ولیکن در کمیسیون قبول نکردند و بواسطه همین فقره که ثالثاً باشد نمیتوانیم رأی بنام قانون بدهم بواسطه اینکه آن یکدفعه اسباب زحمت برای اهل مملکت خواهد بود و اسباب تولید اشکال فراهم خواهد شد لهذا باز آن عرض خودم را تجدید میکنم یاد مستثنی منه عنوان پست را اضافه کند و آقای مخبر یا معاون قبول کنند یاد مستثنی آن لفظ گماشته را بردارند که آن کافذهای شخص که برده میشود مورد مؤاخذه نباشد و عنوان امتیاز عنوان امتیاز پست باشد نه حرف کافذ بردن و الا عرض میکنم اگر این قانون همینطور که نوشته شده است از مجلس بگذرد خیلی اسباب زحمت در مملکت خواهد شد بواسطه اینکه هر کس از هر جایی که عبور میکند مأمورین و گماشتگان پست جب و نعل و خورجین و اسبابش را می بیند که مبادا کافذی همراه داشته باشد و این اسباب زحمت است و این زحمت فوق العاده را نمیتوان متحمل شد و مخالفت من باین قانون در همین فقره است.

**مبصر الممالک** - بنده نمیدانم از چه جهت آقایان اشکالات را میفرمایند الان ۴۵ سال است که این ترتیب مجری است و بهیچوجه من الووجه این ترتیباتی را که آقایان میفرمایند پیش نیامده است کسی متعرض مردم نشده است و کسی جیب و بغل مردم را ندیده است و باضافه آن چیزی را که راجع به شخصیات مردم است و یا راجع بآن شخص است که آن کافذ را میبرد در این قانون آنها را مستثنی کرده و نوشته است که آنها آزاد هستند و بهر نقطه که میخواهند بگردند هیچ مانعی از برای آنها نیست بتوسط گماشتگان خودشان هم اگر میخواهند بفرستند آزادند و باینواسطه بنده هیچ اشکالی در این قانون نمی بینم اگر بنا باشد مادر اینجا لفظ گماشتگان را برداریم و فقط بتوسیسم مراسلاتی که اشخاص مختلفه

برای همدیگر میفرستند دیگر (انحصار) یعنی چه وقتی که اینجا مختار بکنیم که هر کس بخواهد از برای هر کس کافذ ببرد و بیارود و قانون انحصار بکلی خنثی میشود.

**حاج شیخ اسدالله** - اینکه میفرمایند چهل سال است این قانون در این مملکت مجری است تا اکنون هیچ همچو چیزی نبوده است که یک نفر مسافر را در وسط راه بپاک قافله را در بیابان بخواهند که میخواهیم ببینیم در میان این قافله کافذی پیدا میشود یا نمیشود صحیح است و انشاءالله هم نخواهد شد و اینکه میفرمایند اگر ما بتوسیسم امتیاز حمل و نقل مکتب بعنوان پستی بدارت است آنوقت تمام مردم مجاز خواهند بود مکتوبات خودشان را بغیر پست بدهند اینطور نیست فقط امتیازی که بدارت داده میشود امتیاز پست است اهم از مسافر یا مکتب اما دیگر غیر از عنوان پستی بطور عادی هیچ امتیازی را مجلس نمیتواند بدارت بدهد که هیچ کس آزاد نباشد که یک کافذ را از این جا با یک شخص معمولی که به قسم میرود بفرستد بهترین شقوق اینست که آقای مخبر و آقای معاون قبول بفرمایند که یک کلمه (بطور پستی) این جا زیاد شود که هم امتیاز پست داد شده است و هم باعث این میشود که دیگر این قانون که پس از چند ماه زحمت نوشته شده و اینهمه مذاکرات درآورده است رد نشود و اگر این کار را بکنند مجلس را یعنی بنده را خیلی ممنون میکنند و رفع زحمتی هم از ما خواهد کرد

**معاون وزارت پست و تلگراف** - اگر چه تمام این مذاکرات در موقعیکه با این موادرای داده میشد شده بود و جواب هم آنچه لازم بود عرض شد و در شور ثانی هم اکثریت مجلس رای داده و تصویب هم شده و گذشته است بنده گمان میکنم دیگر محتاج به بیان و توضیح نباشد ولی خاطر مبارک آقا را متوجه میکنم باینکه فرمودند (بطور پستی) این خودش یک چیزی خواهد بود که به هیچوجه من الوجوه تشخیص آن ممکن نیست چنانچه در مجلس و در کمیسیون هم این مطلب گفته شد و توضیحاتش هم داده شد شاید اینکه میفرمایند بطور پستی یعنی یک دستگاه پستی که حرکت میکند و غلام پست همراه دارد آنوقت کافذ جانی که در اوهست پستی است و یک دستگاه معمولی که بعد از او حرکت کرده پستی نیست خیر اینطور نیست یک نفر مسافر هم که میرود وقتیکه یک بسته کافذ داشته باشد آن هم پستی است پس تفکیک این مطلب در قانون ممکن نیست اما راجع بمطلب دیگری که فرمودند تا اکنون هیچوقت دیده نشده است که از طرف اداره پست جلو مسافری را در میان بیابان بگیرند تا رسد باینکه وقتی این تصویب میشود این مطلب مجری شود باز هم عرض می کنم که دولت باید همیشه حافظ قوانین که بموقع اجرا گذاشته میشود و این قانون را که نسبت باحتیاجات مملکت وضع میکند برای این است که مردم در کمال رضایت باشند و قانون که کاملاً بموقع اجرا گذاشته شود چنانچه اگر یک قدری توجه بفرمایند به بودجه مملکت می بینند که اداره پست چطور فعلاً مراسلات را برای عموم مردم مرتب میکند و اداره پست در سالی چند خسارت میدهد اداره پست در



هرسالی مبلغی خسارت را متحمل می شود برای این که عموم مردم راحت باشند و مراسلات آنها مرتب و منظم حرکت کند

**رئیس -** مذاکرات در کلیات کافی است یا کافی نیست ؟ (گفته شد کافی است) رای بگیریم بکلیه قانون پستی که مشتمل ۸۵ ماده است و در چندین جلسه شور اول و دومش شده است آقایانیکه کلیه این قانون پستی را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد - مذاکرات در کلیات قانون مستقالات است آقایان خوبست تشریف برند و اقلاً در کلیات که بیشتر از هفت هشت دقیقه نخواهد شد رای بدهند موافق باشند برای جلسه دیگر - در کلیات مخالفی هست ؟

**حاج شیخ اسدالله -** اگر چه اساساً تصور نمیکند هیچکس بگوید که من بانکتیر هایدات دولت مخالفم در موقع دیگر هم راجع به پروگرام روز راه بنده باز این عقیده را عرض کرده ام مسلماً هر چه عایدات دولت زیاد تر شود هم محتاج به تکثیر عایدات است و هر چه عایداتش زیاد تر باشد نمیتواند ملت و مملکت را ترقی بدهد ولیکن در ترتیب عایدات نظریات مختلف است بنده عقیده ام اینست همچنانکه سابقاً هم عرض کردم امروز باین ترتیب که در مالیه مملکتان هست وضع و هیچ مالیاتی را نمیتوانیم رای بدهیم برای اینکه هر چه مالیات وضع کنیم يك بدبختی و صدماتی رای ملت تولید میشود و دولت هم هیچ استفاده از وضع آن مالیات نمیکند و معلوم نیست چه میشود و بکجا میرود فقط يك اشخاص مخصوصی منفع می شوند در صورتی بنده میتوانم در وضع مالیات و تکثیر عایدات از مستقالات یا غیر مستقالات رای بدهم که ترتیب مالیه مملکت معلوم باشد و بودجه و جمع و خرج آن مرتب باشد و بدانیم این مالیاتی که وضع میشود آنچه از مردم گرفته میشود بکجا میرود و بچه مصرف میرسد بعد از آنکه من ندانم آنچه بعنوان مختلف از مردم بگیرند از مالیات مستقیم و غیر مستقیم بچه مصرف میرسد و یکی میرود در صورتیکه تمام ادارات مملکتی الان پنج شش ماه است حقوق شان عقب مانده و بلا تکلیف هستند و اداره ژاندارمری بس - حقوق مانده و معلوم نیست مالیه مملکت ما بکجا میرود و بکدام چاله فرو برود در اینصورت چطور میتوانیم رای بدهیم که تحویل فوق العاده بر مردم شود و يك مالیات دیگر بدهند حالا بفرض اینکه از این مرتبه هم تنزل کردیم و گفته ام رای بدهم و يك مالیاتی وضع میشود آخر يك وقتی مالیه مملکت اداره میشود بودجه مملکت هم مرتب میشود این هم يك راه عایدی است برای دولت بعد از آنکه مالیه منظم باشد و بودجه مرتب شد يك عایدی معینی را از برای دولت رای دادیم در صورتیکه این نظرها هم داشته باشیم مالیات های دیگر در نظر هست که از مالیات مستقالات برای مملکت بهتر و مناسب ترند مالیات دخانیات است و ممیزی است نسبت باسلاک و مالیات مستقیم اگر هم بگوئید که وضع این قانون منافی با آن مالیاتها نیست هم مالیات دخانیات وضع میشود و هم ممیزی میشود و هم رشته های دیگری از برای

تکثیر عایدات فکر میکنیم و در مجلس رای میدهم بنده عرض میکنم خیلی مشکل است ما موفق نشدیم در صورتیکه يك خطوط مستقیم را در نظر بگیریم که چندان رشته مختلف برای ما تولید کند آنوقت نتیجه این میشود که هیچ کدام بوقوع اجراء گذاشته نمیشود و تمام بعالت هرج و مرج میماند عرض کردم باز اگر بخواهیم يك راهی برای تکثیر عایدات فرض کنیم بهتر این است از این مالیات مستقالات که میدانیم مردم بصدا می آیند قطع نظر کنیم و مالیات دخانیات را که غیر مستقیم و یک قدری پذیرفتنش برای مردم سهلتر است رای بدهیم برای اینکه مستقالات يك چیزی است مثل خانه و دکا کین عده خانه است که ما محتاج مردم است و نمیتواند از آن صرف نظر کند اما مالیات دخانیات اینطور نیست مالیات دخانیات اینطور نیست مالیات دخانیات يك امر فوق العاده است اگر کسی نتوانست آن مالیات را بدهد ممکن است ترك كند خیلی بهتر است مزاجش هم سالمتر است و اگر نتوانست شرکت کند توانست تحمل مخارج آنرا بکند مالیاتش را میدهد و تحویل فوق العاده هم نیست مثل مالیات و باندرل که برای تریاک وضع شد که بنده عقیده ام این است يك مالیات خیلی بوقع و بجائی که مجلس شورای ملی در دوره دوم تقنینه وضع کرد و همان مالیات تعیین تریاک بود حالا هم اگر همان نظری که در تریاک بود در دخانیات ملحوظ شود خیلی بهتر عقیده بنده این است که امروز از این مالیات مستقالات صرف نظر کنیم و در صورتیکه از نظر اولیه خود قطع نظر کنیم بهترین طرق برای تکثیر عایدات مالیات دخانیات است و مالیات ممیزی است و اگر این دورشته را پیش بگیریم يك فزائدی از برای دولت تحصیل میشود و هم تحویل فوق العاده بر کس نمیشود

**حاج عز الممالک -** بنده تأسف میخورم که بدو آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند در کلیات موافقم و بعد بعنوان (ولی) همه مخالف میفرمایند راجع باساس وضع مالیات بنده تعجب میکنم و در این موقع که با قرار خود ایشان ژاندارمری و سایر ادارات مدتی است پول نگرفته اند باین فلسفه میفرمایند نباید وضع مالیات بشود در صورتیکه برای تشکیل ادارات جدید مخصوصاً بسط ژاندارمری بلکه چون مذاکره راجع به مستقالات است برای تاسیس نظمی بطرز جدید هم بطور که در تهران ممیزی تمام مردم بواسطه نظمی در تحت امان و آسوده هستند مخصوصاً باید نظمی در تمام ایران تاسیس شود و عموم مردم از این امنیت بهره مند شوند و ما باید سعی کنیم که این قانون زودتر از مجلس بگذرد و اینکه فرمودند بعضی ها شاید مخالفت کنند ابداً ما این گله را نمیتوانیم بگوئیم بجهت اینکه بنده خوب در خاطر دارم که در بدو تشکیل مجلس مردمانی که حفظ استقلال مملکت خودشان را طالب بودند یعنی اغلب تجار و اصناف حاضر بودند برای حفظ نظمی و ژاندارمری اهانه بدهند و اصرار داشتند که وضع مالیات بشود و برای اینکه عموم مردم از نعمت امنیت بهره مند شوند تخصیص بانها داده شود در اینصورت چطور میشود که در وضع چنین مالیاتی که از برای حفظ امنیت و آسایش خود مردم

وضع میشود و هیچ نقطه نظر دیگری در بین نیست فقط بنام اصلاحات نظمی و نیز اگر ممکن میشود برای بسط ژاندارمری این مالیات را وضع میکنیم آنوقت بعنوان مختلفه که بودجه هنوز نیامده است یا ادارات هنوز پول نگرفته اند یا مالیات دیگر در نظر است مخالفت کنیم بلی بنده هم میگویم مالیات دخانیات هست و بعد از این قانون به مجلس می آید آنوقت خواهیم دید که باز آقا با آن قانون هم مخالفت میکند یا اینکه امشب را در نظر خواهند داشت و مخالفت نخواهند کرد عرض اینکه ما اصرار داریم سعی کنیم که يك مالیات دیگری برقرار کنیم نباید با این قانون که مدتی است به مجلس شورای ملی پیشنهاد شده و با وقایعی که در کمیسیون شده و به مجلس آمده است هیچ سزاوار نیست مخالفت کنیم و با این وصفیکه ما میبینیم و باین احتیاجاتی که امروز بیول داریم و باین نوعی که مردم در خصوص امنیت و آسایش خودشان از نظمی در شهرها و از ژاندارمری در وضع يك همچو قانونی که محل احتیاج مملکت است اشکال تراشی کنیم اما راجع است ترك كند خیلی بهتر است مزاجش هم سالمتر است و اگر نتوانست شرکت کند توانست تحمل مخارج آنرا بکند مالیاتش را میدهد و تحویل فوق العاده هم نیست مثل مالیات و باندرل که برای تریاک وضع شد که بنده عقیده ام این است يك مالیات خیلی بوقع و بجائی که مجلس شورای ملی در دوره دوم تقنینه وضع کرد و همان مالیات تعیین تریاک بود حالا هم اگر همان نظری که در تریاک بود در دخانیات ملحوظ شود خیلی بهتر عقیده بنده این است که امروز از این مالیات مستقالات صرف نظر کنیم و در صورتیکه از نظر اولیه خود قطع نظر کنیم بهترین طرق برای تکثیر عایدات مالیات دخانیات است و مالیات ممیزی است و اگر این دورشته را پیش بگیریم يك فزائدی از برای دولت تحصیل میشود و هم تحویل فوق العاده بر کس نمیشود

**رئیس -** آقای مدرس مخالف هستید ؟  
**مدرس -** بلی  
**رئیس -** بفرمائید  
**مدرس -** بعضی عرایضی داشتم که آقای شیخ اسدالله اظهار داشتند ولیکن بنده عرض میکنم خاطر آقایان هست که امروز که پروگرام هیئت دولت را

آورد بنده دو اصل را تصدیق کردم یکی اینکه مخارج مملکت باید حتماً از داخله مملکت تهیه شود و یکی اینکه باید جلو مخارج زائده گرفته شود البته اگر اهل مملکت دیدند پولی که میدهند به مصرف صحیح خرج میشود یقین است اگر تحمیلی بر آنها بکنیم رعیت خواهند داد  
در این محوطه ما خیلی صحبت میداریم ولی بر آقایان مغفی نیست تمام اطراف مملکت حرفشان بر این است که این پولها که ما میدهم در دست مصرف نمیشود اگر بخواهید بگوئید بر ما مغفی است خیلی بی انصافی است با این تلگرافات و شکایات و تظلمات که متصل میرسد و مردم دائماً شکایت میکنند و از همین جهت ادارات اینطور بی پول است والا مردم خیلی پول میدهند لهذا سابقاً عرض شد که اگر بودجه ما به مجلس بیاید و معلوم شود که واقماً مملکت محتاج است باید البته بر مردم تحمیل کرد که مخارج خودشان را بدهند و بوجه غیر مرضی پول جمع نکنند البته باید خودشان پول بدهند ولیکن امروزه که بر تمام ماها معلوم است آن پولی را که مردم میدهند اغلبش بوجهی که باید صرف شده صرف نمیشود اگر يك مالیاتی وضع کنید که از قبیل مالیات مستقالات باشد بخصوص بعضی فقراتی که دارد (از قبیل خانه) خیلی مسئله عجیب و فریبی خواهد شد اگر مجلس يك همچو مالیاتی را وضع کند گمان نمیکند از برای دولت منفعتی داشته باشد یعنی باز يك مقدماتی ترتیب داده میشود که بزرگت از مردم وصول میشود معلوم نخواهد شد چگونه خرج میشود پس خوب است در این باب مجلس تأمل بفرمایند تا بودجه بیاید و از مجلس بگذرد و به بیند احتیاجشان به پول چقدر است آنوقت هر معلی را که مناسب دیدند (چنانچه مناسب تر از این محل چند جای دیگر هم هست) الان اگر بخواهند وضع مالیات را بکنند مسلم است والا قبل از آنکه مردم جمع و خرج مملکت را بفهمند بدانند که این پولها تکیه میدهند به چه مصرف خرج میشود و گمان من این است وضع مالیات اسباب زحمت برای ما خواهد شد و فائده هم عاید نخواهد شد

**سردار معظم مخبر کمیسیون قوانین مالیه -** بنده تصور میکنم وقتیکه قانون مستقالات به مجلس می آید ممکن است بعضی از نمایندگان معترتم نسبت باساس این قانون مخالفت کنند و بگویند خوبست یا بد است و دوترا که مخالف بودند متأسفانه متعرض این مسئله نشدند و فقط بیان و اظهاری که میکنند این است که میفرمائید چون بودجه ما به مجلس نیامده است ما عقیده نداریم که هیچ نوع عایدی زیاد شود و هیچ نوع قانونی برای تزیید عایدات مملکت از مجلس شورای ملی بگذرد خیلی خیلی متأسفم که کس از مراجع بجز این اظهارات و اظهارات وزراء مالیه مملکت و میرمایند نمایندگان معترتم در نظر دارند که بی پولی است که ادارات ما را باین حالت حاضر رسانده است بی پولی است که ژاندارمری تهدید میکند و کم مانده است منحل شود بی پولی است که اداره نظمی ما را تهدید میکند بعقیده بنده مجلس خیلی دیر شروع کرده است بداخل شدن آن خطیکه امشب داخل شده مجلس باین ترتیبی این مسئله را یکی از اولین وظائف خودش قرار میداد و زود تر راههایی برای امر تهیه میکرد خیلی تعجب میکنم که يك نماینده

بگوید من رای نخواهم داد و با قانون مستقالات که نتیجه آن ازدیاد عایدات مملکت است مخالف هستم اگر نمایندگان معترتم در اوضاع حاضر مطالعه بفرمایند تصدیق خواهند فرمود که مالیات مستقالات و مالیات دخانیات بهتر است و مجلس شورای ملی مجبور خواهد شد که چند فقره مالیات دیگر هم برای رفع احتیاجات داخلی مملکت برقرار کند که مملکت فقط از منافع داخلی خودش استفاده کند پس از این نقطه نظر بنده تصور میکنم با قانون مستقالات هیچ نمیشود مخالفت کرد پس ممکن است دو اصل مالیات یعنی در خود لایحه يك نظری داشت و بعقیده ایشان قانون دخانیات بهتر است این يك نظری است که میفرمایند ولی بنده از طرف کمیسیون قوانین مالیه که چندین ماه است مشغول مطالعه قانون دخانیات است استدعا میکنم يك لایحه قانونی بکمیسیون پیشنهاد بفرمایند و بعد که خودشان داخل در خط مطالعه قانون دخانیات شدند ملاحظه خواهند فرمود که این اهمیتی را که در نظر ایشان دارد نخواهد داشت پس ممکن است يك ایرادی باساس قانون مستقالات باشد بنده با آن نظر هیچ موافقت ندارم اما خواستند يك حسی در اینجا تولید بفرمایند و فرمودند (علی الخصوص که مسئله خانه ها) در اینجا داخل شده است خوب بود يك قدری دقیق تر میشدند و ملاحظه بفرمودند که مخصوصاً در این قانون نوشته است خانه های مسکونی اردان هر نوع مالیات معاف هستند پس این ایرادی را که میفرمایند وارد نیست و بر فرض هم که همچو ایرادی در باب خانه باشد وقتیکه باده خانه ها می رسیدیم ممکن بود مذاکره کنند بنده خیلی مایل بودم که آقای مدرس و آقای حاج شیخ اسدالله این نکته را بفرمایند که وقتیکه يك کسی يك دهی دارد و از آن ده يك منافی باو عاید میشود تصدیق میفرمایند که باید بر آن ده مالیات تعلق بگیرد و وقتیکه همان منافع را از يك دکان میبرد باید برای آن قانون مالیات وضع نشود ؟ بعقیده من قانون مستقالات یکی از بهترین قوانین است که ممکن است وضع شود و یکی از بهترین قوانینی است که در عالم وجود دارد پس از این نقطه نظر نمیشود هیچ ایرادی بر این قانون وارد کرد و گفت باید صبر کرد تا بودجه بیاید و به بینم جمع و خرج ما توازن میکنند یا نه و اگر موافقت نکرد قانون دخانیات را وضع کنیم باین فلسفه میگویند باید از قانون مستقالات صرف نظر کرد بنده عرض میکنم که برای پر کردن خانه های خالی بودجه برای مخارج مملکت حتماً هم بوضع قانون مستقالات و هم بوضع قانون دخانیات و هر چه قانون دیگر مجبور هستیم و از مد نظر احتیاج اگر نگاه کنیم قانون مستقالات یکی از قوانینی است که اساسش بر روی انصاف گذاشته شود بنابراین بعقیده بنده این مخالفتی که فرمودند به چه وجه وارد نیست

**رئیس -** مذاکرات در کلیات کافی است :  
**مدرس -** اجازه بفرمائید ؟  
**رئیس -** قبل از جناب عالی ۲۵ نفر اجازه خواسته اند - رای میگیریم که مذاکرات کافی است یا کافی نیست - آقایانیکه در کافی بودن مذاکرات موافقت قیام فرمایند  
(عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس -** تصویب شد - رای میگیریم داخل در مواد شومی یا نه - آقایانیکه تصویب میفرمایند داخل در مواد شومی قیام فرمایند  
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)  
**رئیس -** تصویب شد - اگر مخالفی نباشد جلسه بماند برای شب بیست و چهارم  
**سردار معظم -** شب ۲۴ خیلی دیر است شب ۱۸ مقرر شود  
**رئیس -** پیشنهاد میکنند جلسه آتیه شب هیجدهم منعقد شود - آقایانیکه پیشنهاد آقای سردار معظم را تصویب میکنند قیام نمایند  
(غالباً قیام نمودند)  
**رئیس -** تصویب شد - دستور شب هیجدهم قانون مستقالات و اعتبارنامه آقای توام الدوله است  
**مشارالدوله -** در باب پیشنهاد آقای حاج عز الممالک در باب تمدید کمیسیون سه نفری چون وزارت مالیه ترتیب درستی ندارد خوب است قراری داده شود  
**رئیس -** بلی صحیح است جزء دستور امشب بود اگر مخالفی نباشد این مسئله را قبل از قانون مستقالات قرار میدهم  
**سلیمان میرزا -** جلسه قبل بنده یادآوری کردم حالاهم یادآوری میکنم که يك عده اشخاصی را بیخود معطل کردن گویا پسندیده نباشد اعتبارنامه دوفراز نمایندگان در شعبات هست یکی را خبر داریم که مدتی است راپورتش در شعبه نوشته و هنوز به مجلس نیامده است فاصله میان شعبه و مجلس نمیدانم چقدر است یکی دیگر هنوز در شعبه مطرح نشده است تکلیف اشخاص را باید زودتر معین کرد اگر اعتبارنامه آنها صحیح است و وکیل هستند که باید معلوم شود و اگر هم وکیل نیستند بروند مشغول کارهای خودشان بشوند چرا مجهول تکلیف باشند بنده تقاضا میکنم اعتبارنامه آقای زنجانی و صدرالاسلام که تا بحال بلا تکلیف مانده اند زودتر به مجلس بیاید در صورتیکه راپورت آقای زنجانی در شعبه نوشته شده و حاضر است  
**رئیس -** بنده میخواستم این مطلب را امشب اظهار کنم که از (۱۷) شعبان تا بحال این اعتبارنامه در شعبه هستند و رسیدگی نشده است یکی را بهر طور بود رسیدگی کردند ولی راپورتش را ننوشته اند از شعبه پنجم خواهش دارم حالا که میخواهند تشریف ببرند چون بعضی مذاکرات در جلسه خصوصی داریم و وقت ندارند شبهه را منعقد کنند فردا شب که کاری نیست شعبه پنجم را منعقد کنند و شعبه ششم هم پس فردا شب و شعبه اول هم شب بعدش منعقد شود که برای جلسه ابتدا این اعتبارنامه ها حاضر باشد  
**فاصله الاسلام -** در جلسه قبل که بنده حاضر نبودم این مسئله با يك اهمیتی در مجلس تعقیب شده بود نمیدانم در این موضوع (این مجهول تکلیفی) چرا اینقدر اهمیت پیدا کرده مخبر شعبه پنجم بنده هستم یکی دو جلسه کسالت داشته و نتوانستم حاضر شوم چنانچه در مجلس هم نبودم و امشب که آقای رئیس مذاکره کردند آن صورت جلسه را خواستم و در موقعیکه قانون پستی مطرح بود هیچ گوش ندادم و مشغول مراجعه صورت مجلس بودم و از طرف



بنده هیچ قصوری نشده است و گمان میکنم فاصله ما بین شعبه و مجلس فاصله ممتدی نیست و تصور میکنم که هیچ نظر خارجی و خصوصی در این کار نبوده بنده الان حاضریم رایورتش را بنویسم و تقدیم مجلس کنم که در بعضی پیش آمدها قصور و تقصیر ببیند متوجه بشود که تصور بکنند يك نظر در تعطیل او او بوده است .

**رئیس** - گمان میکنم بیش از این لازم نباشد در این باب مذاکره شود همانطوریکه عرض کردم فرداش و پس فرداش این سه شعبه منعقد خواهد شد شعبه پنجم فقط باید رایورتش را بنویسد فردا شب مخبر مینویسد - آن دو شعبه دیگر هم شب بعد می نشینند و رأی میدهند انشاء الله این سه رایورت برای جلسه بعد حاضر میشود .

**سلطان العلماء** - اجازه میخواهم .

**رئیس** - در چه باب ؟

**سلطان العلماء** - در باب کابینه .

**رئیس** - این مسئله در اینجا مطرح نیست .

اگر مخالفی نباشد جلسه را ختم میکنم .  
( پنجساعت و چهل دقیقه از شب گذشته )

( مجلس ختم شد )

**جلسه ۷۵**

**صورت شرح مجلس شب شنبه ۱۸**

**رمضان المبارک ۱۳۳۳**

مجلس تقریباً ۳ ساعت و نیم از شب گذشته در تحت ریاست آقای مومن الملک تشکیلا و صورت مجلس شب چهارشنبه پانزدهم قرائت گردید  
غائبین بدون اجازه - آقایان حاج شیخ اسمعیل سردار متمد - حاج شیخ اسد الله - نجفقلی میرزا آقا سید فاضل

غائبین با اجازه - حاج امام جمعه نظام السلطان  
**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست ( ایرادی نبود ) صورت مجلس تصویب شد شعبه ششم و اول بنا بود پریش و دیشب منعقد شود منعقد نشدند رایورتنی هم که شعبه پنجم داده بود مخبر کمیسیون امضاء بکنند گویا امضاء نکرده گمان میکنم برای اینکه باید باین قبیل ترتیبات خاتمه داده شود و اعتبار نامه ها اینطور در شعبه نماند بهترین است که جزو دستور گذاشته شود اهم از اینکه مخبر امضاء بکنند یا نکنند یکی از منشی ها یا یکی از امضاء شعبه میخوانند و اگر لازم شد رأی میگیریم باین ترتیب مخالفی هست ؟

**حاج شیخ ویوسف** - شعبه اول دیشب منعقد شد اگر امضاء شعبه هم حاضر بودند و يك مقداری هم باعتبار نامه سیددار مراجعه شد ولی بعد بواسطه کافندیکه از ایشان رسیده بود در قبول و کالت تردید کرده بودند از این جهت رایورت داده نشد و بمقام ریاست عرض شد

**رئیس** - صحیح میفرمائید رایورت شعبه اول الان رسید مقصودم رایورت شعبه پنجم و ششم بود  
**آقا میرزا ه ششم** - عرض میکنم در خصوص شعبه ششم هم شش نفر از امضاء حاضر شدند بالاخره قرار شد شب بعد از جلسه باعتبار نامه آقای صدرالسلام مراجعه شود

**رئیس** - در هر صورت این دو فقره مطلب جزو دستور آتیه خواهد بود ولو اینکه رایورت

بدهند یا ندهند دستور امشب طرح آقای حاج عزالمالک است راجع به تمدید مدت اموریات کمیسیون تفتیش و نظارت مالیه باید اول قابل توجه بودن آن رأی بگیریم بعد قانون مستغلات بعد رسیدگی باعتبار نامه آقای قوام - الدوله مطرح خواهد بود چون طرح آقای حاج - عزالمالک مختصر تر است اگر مخالفی نباشد در آن مذاکره میشود

رایورت کمیسیون مبتکرات راجع بطرح قانونی ( آقای حاج عزالمالک بمضمون ذیل قرائت گردید )  
**کمیسیون مبتکرات** در یوم شنبه ۲۰ شهر

شعبان در تحت ریاست آقای شریعتمدار منعقد گردید در باب طرح قانونی راجع به تمدید و تجدید مدت کمیسیون نظارت که از طرف آقای حاج عزالمالک شده بود مذاکرات بعمل آمد کمیسیون مزبور طرح مذکور را قابل توجه دانسته و فوریت آنرا در مجلس مقدس تمنی مینماید .

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله مخالفید ؟

**حاج شیخ اسدالله** - خیر چون مخبر

کمیسیون هشتم میخواهم توضیح بدهم این طرحیکه آقای حاج عزالمالک پیشنهاد فرمودند و رایورتنیکه بمجلس آمده است مدتی طول کشیده است تاریخ آن از دهم سرطان است تا مدت یکماه گمان می کنم تا وقتیکه از مجلس بگذرد و مدتش منقضی شده باشد عقیده بنده این است تاریخ را از بیستم رمضان قرار بدهیم و این مسئله که بکمیسیون میرود در آنجا اصلاح شود .

**رئیس** - در کمیسیون قوانین مالیه اصلاح می شود حالا بقابل توجه بودن این پیشنهاد رأی بگیریم .

**سردار معظم** - بنده در اصل مطلب کمال

موافقت را دارم ولی این نکته را لازم میدانم در مجلس گفته شود مدتی است قانون تشکیلات از مجلس گذشته و مطابق قوانین مملکتی باید تا بحال تمام سیرهای قانونی خودش را کرده باشد که دیگر محتاج باین رأی نشویم بجهت اینکه قانون تشکیلات مالیه بهوض کمیسیون سه نفری يك کمیسیون تفتیش را معرفی کرده است و خیلی لازم میدانستم بعد از آنکه يك وزیر یی باشد تا کدبکات لازمه بشود که هر چه زود تر قانون تشکیلات مالیه بهوقوع اجرا گذاشته شود .

**رئیس** - اول باید در قابل توجه بودن این پیشنهاد رأی بگیریم بعد چون کمیسیون مبتکرات تقاضای فوریت کرده فوریت آن رأی بگیریم اگر فوریت تصویب شد از کمیسیون که برگشت يك شور می شود و اگر فوریت تصویب نشد که شور شود آقایانیکه طرح آقای حاج عزالمالک را قابل توجه میدانند قیام نمایند .

( همه کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد آقای مخبر راجع به فوریت توضیحاتی دارید بفرمائید

**حاج شیخ اسدالله مخبر** - توضیحات بنده

در این موضوع همان بلا تکلفی مالیه است که نه وزیر یی دارد نه معارنی يك نفر در وزارت مالیه نیست که اختیاراتی داشته باشد و يك نظارتی بمصارف و مخارجی که در وزارت مالیه می شود داشته باشد هیچ توضیحی بهتر از این نیست که لازم است يك اشخاصی در آنجا

باشند و راجع بمصارف و مخارج مملکتی افلا يك نظارتی داشته باشند و گمان می کنم هر چه زودتر این مطلب از مجلس بگذرد خیلی نافع و صلاح مملکت باشد .

**سردار معظم** - بنده با رأی فوریت حالیه مخالف هستم بمعقیده بنده فرق نمیکند این لایحه ممکن است حالا بکمیسیون قوانین مالیه برود پس از برگشتن از کمیسیون این کار را بکنند زیرا گمان بنده این است کمیسیون قوانین مالیه هم با رأی کمیسیون مبتکرات موافقت داشته باشد پس از مراجعت از کمیسیون قوانین مالیه ممکن است به فوریت رأی گرفته شود و يك شور شود .

**رئیس** - رأی می گیریم به فوریت این طرح قانونی که کمیسیون مبتکرات تقاضا کرده آقایانیکه فوریت این طرح را تصویب می کنند قیام نمایند اغلب نمایندگان قیام نمودند

**رئیس** تصویب شد کمیسیون باید در موقع تنفس منعقد شود و مذاکره شود و بعد از تنفس بیاورند بمجلس و رأی گرفته شود و راجع بقانون مستغلات در جلسه گذشته برای داخل شدن در شور مواد رأی گرفتیم حالا قرائت میشود .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده اول - برای کلیه مستغلات از قبیل دکاکین مغازه ها خانهای اجاره انبارها کاروانسرا هانها نمایش گاه ها یخچالها قهوه خانه ها میدانها و قیره در شهر ها و قصبات عمده مالیات مستغلات بر قرار می شود .

**سلیمان میرزا** - چنانچه همه مسبوق هستند این مالیات شهریست عموماً و بطور کلی باید از برای نظمه و بلدیة صرف شود و هر کس بهر اندازه که از امنیت شهر استفاده میکند بهمان اندازه در مخارج آن سهم و شریک باشد بنا بر این بنده نمیدانم بچه مناسبت اشخاصیکه خانه های بزرگ ملکی دارند باید از مالیات مستغلات معاف باشند در صورتیکه بکنفر پلوس برای محافظت ده خانه صدزرعی کافیت و از برای يك پارک شاید ده نفر از آن هم کم باشند این مالیات يك مالیات مستقیم است و هر کس بیشتر از مملکت استفاده میکند باید بیشتر خرج آن استفاده را بدهد این جا بنده می بینم بالمره از متمولین یعنی از اشخاصیکه صاحب خانهای بزرگ و پارک هستند صرف نظر شده است و فقط بفقرا و ضعیفا منحصر شده است مسلماً فقرا و ضعیفا آن قدر استطاعت ندارند که خانه ملکی داشته باشند و اغلب بواسطه نداشتن استطاعت خانه اجاره میکنند و الا يك خانه ملکی میخریدند بنا بر این آن کسانی که داریشان بقدر کافی نیست باید مالیات بدهند اما آن اشخاصی که شاید صد هزار تومان داده اند يك پارک خریده اند و بسیار لوازم زندگانی او را هم دارند و بیشتر از سایر مردم از این مملکت استفاده میکنند آنها باید از این مالیات معاف باشند بنده بکلی باین ترتیب مخالف هستم و گمان میکنم در اینجا بطور مطلق باید خانه ها عموماً قید شود و لفظ اجاره قید زائد نسبت خانه ملکی هم همان حکم را دارد و همان نتیجه از آن گرفته میشود پس باید بطور کلی (خانها) نوشته شود .

**حاج شیخ محمد حسن گروسی** - ترتیبات مالیات از روی هایدات است خانه های مسکونی خواه مال متمول خواه غیر متمول که جزء مایحتاج خودش است